

بررسی مقایسه‌ای مسائل جمعیتی موثر در حیات اجتماعی ایران و تاجیکستان

سعید خراطها*

چکیده

از جمله مسائلی که در حوزه جامعه‌شناسی قابل تامل و بررسی است؛ مسائل مربوط به اوضاع جمعیتی یک جامعه است که عدم توجه به آن می‌تواند شرایط نامساعدی را برای زندگی اجتماعی افراد به وجود آورد و حیات اجتماعی آن جامعه را به خطر اندازد. مقاله حاضر که با هدف شناخت و مقایسه مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی ایران و تاجیکستان انجام گرفته است حاصل مطالعه اکتشافی و عملیات میدانی است که ضمن توجه به تشابهات فرهنگی موجود در میان دو کشور سعی داشته است تا فهرست معتبری (۳۸ مورد) از مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان را با استفاده از منابع، اسناد و مصاحبه‌های اولیه شناسایی نماید. در ابتدا این فهرست در اختیار ۵۰ نفر از خبرگان حوزه‌ی علوم انسانی ایران و ۴۸ نفر از خبرگان تاجیکستان قرار گرفت تا مهمترین مسائل جمعیتی هر کدام از کشورها از نظر خبرگان آن‌ها شناسایی شود. پس از شناسایی مهمترین مسائل جمعیتی دو کشور از دیدگاه خبرگان ۱۲ مسئله از مهمترین مسائل دو کشور در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار ۴۰۰ نفر از مردم ایران و همچنین تاجیکستان قرار گرفت تا از این طریق ضمن شناسایی مهمترین مسائل جمعیتی آنان که ساختارهای اجتماعی هر یک از دو جامعه مذکور را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد بتوان متناسب با شرایط اجتماعی موجود راهکارهای اجرایی لازم را ارائه نمود. یافته‌های حاصل از پژوهش مذکور نشانگر آن است که برخی از مهمترین مسائل جمعیتی شناسایی شده در ایران عبارت بودند از: گرانی مسکن، طلاق، توسعه نیافتگی، کمبود و فرسودگی مسکن، بالا رفتن سن ازدواج و برخی از مهمترین مسائل جمعیتی شناسایی شده در تاجیکستان عبارت بودند از: مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور، فراوانی مهاجرت به خارج از کشور، فراوانی مهاجرت از روستا به شهر، بالا بودن نرخ رشد جمعیت، کمبود مسکن. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که عدم توجه به مسائل جمعیتی موجود و نادیده انگاشتن آنها بر دوام و حیات اجتماعی و همچنین روند رشد و توسعه جوامع اثرگذار خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مسائل اجتماعی، مسایل جمعیتی، مسایل جمعیتی ایران، مسائل جمعیتی تاجیکستان.

مقدمه

E-mail: saeed.kharatha@gmail.com

* فارغ‌التحصیل دوره‌ی دکتری رشته‌ی دموگرافی از آکادمی علوم تاجیکستان

بررسی سیر تاریخی روابط میان دو کشور ایران با تاجیکستان نشان می دهد که بعد از تحولات اخیر (فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشور تاجیکستان در سال ۱۳۷۰) دیگر ارتباط میان دو کشور همچون گذشته از طریق کانال مسکو انجام نشده، بلکه پس از استقلال این کشور، روابط دو جانبه میان ایران و تاجیکستان به طور مستقیم و بدون واسطه انجام می شود و از آنجا که همه‌ی جمهوری‌های آسیای مرکزی که تاجیکستان را احاطه کرده‌اند ترک زبان هستند، تاجیک‌ها ایران را به عنوان وطن فرهنگی خود به حساب می‌آورند و به علت اشتراک در زبان، فرهنگ، مذهب و میراث فرهنگی و تاریخی مشترک روی به سوی ایران دارند و می‌خواهند با این رویکرد هویت فرهنگی خود را احیا کنند. با توجه به علاقه و خواست مردم و نیز مصالح سیاسی، دولتمردان تاجیک سعی در تعمیق روابط خود با ایران دارند. البته این میل و علاقه دو جانبه است، و به ویژه وابستگی‌های فرهنگی و تاریخی بسیاری، مردم ایران را به ایجاد ارتباط گسترده و عمیق با کشور تاجیکستان ترغیب می‌کند و روابط دیپلماسی دولت‌مردان ایران با تاجیکستان همواره مورد پسند و استقبال ایرانیان بوده و فراتر از آن در هر دو کشور، جمعی از اندیشمندان وجود دارند که به احیای مجدد «ایران بزرگ» که در آن کشورهای حوزه‌ی زبان فارسی و تمدن ایران باستان دوباره از اشتراکات سرزمینی برخوردار شوند می‌اندیشند.

فارغ از روابط حکومتی بین دو کشور ایران و تاجیکستان و جستجوی هرگونه منافع (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) که از این ارتباط حاصل می‌شود، تعداد بسیاری از مردم، دانشمندان و مسئولان دو کشور در جستجوی ایجاد ارتباط فرهنگی، اجتماعی گسترده بین دو کشور هستند و از پیوندهای تاریخی و اشتراکات موجود در زبان، دین، مذهب، هویت، آثار باستانی و افتخارات مشترک تاریخی مربوط به پیش و پس از اسلام استقبال می‌کنند. البته چنان‌که در ایران عده‌ای هستند که از گرایش بیش از حد تاجیکستان به روسیه خرسند نیستند، در تاجیکستان هم عده‌ای هستند که روند نزدیکی دو کشور ایران و تاجیکستان را تلاش ایران برای اعمال نفوذ در جمهوری‌های آسیای مرکزی دانسته، و آن‌را تلاشی برای ایجاد دولتی اسلامی شبیه خود(ایران) در تاجیکستان می‌دانند.

با این حال، علاوه بر وجود زمینه‌های تاریخی فراوانی که برای همکاری و ارتباطات دو کشور وجود دارد، شناخت مسائل جمعیتی موثر در حیات اجتماعی موجود در دو کشور در جامعه جهانی، ضرورت توسعه اقتصادی و اجتماعی، وجود مسائل اقتصادی و نیاز به همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای عبور از بحران‌های اقتصادی و سیاسی و همین‌طور امکان همکاری جهت حل مناقشات مرزی و مسائل امنیتی، برقراری ارتباط گسترده بین دو کشور را ضرورت می‌بخشد.

بنابراین شناسایی زمینه‌های موجود جهت همکاری‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، شناخت وضعیت و آشنایی با مسائل دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. به طوریکه پژوهش حاضر سعی داشته تا با مطرح نمودن پرسش‌های زیر به ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود شرایط فوق در هر دو جامعه بپردازد.

پرسش‌های تحقیق:

۱- مهم‌ترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی ایران با توجه به شیوع و اهمیت آنها از دیدگاه خبرگان چه مواردی را در برمی‌گیرد؟

۲- مهم‌ترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی ایران با توجه به شیوع و اهمیت آنها از دیدگاه مردم شامل چه مواردی می‌گردد؟

۳- مقایسه دیدگاه های خبرگان و مردم پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی ایران با توجه به شیوع و اهمیت آنها چه مواردی را در برمی گیرد؟

۴- مهمترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی تاجیکستان با توجه به شیوع و اهمیت آنها از دیدگاه خبرگان چه مواردی را شامل می شود؟

۵- مهمترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی تاجیکستان با توجه به شیوع و اهمیت آنها از دیدگاه مردم شامل چه مواردی می شود؟

۶- مقایسه دیدگاه های خبرگان و مردم پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی تاجیکستان با توجه به شیوع و اهمیت آنها چه مواردی را در بر می گیرد؟

۷- مقایسه نظرات خبرگان و مردم پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی دو کشور ایران و تاجیکستان با توجه به شیوع آنها شامل چه مواردی می شود؟

مطالعه کتابها، مقاله ها، منابع اینترنتی به زبان فارسی و تاجیکی نشان می دهد، پژوهش هایی که به مسائل و اولویت شناسی مشکلات دو کشور بپردازند می توانند زمینه ساز شناخت دو کشور از وضعیت یکدیگر شده و چالش های اصلی دو کشور را برای همکاری های دو جانبه روشن کنند.

بنابراین لازم به نظر می رسد تا در این بخش به برخی از آن مطالعات و تحقیقات پرداخته شود... از جمله تحقیقات انجام شده که در پژوهش حاضر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است عبارت است از پژوهشی که توسط سیدهادی معتمدی با عنوان اولویت بندی آسیب ها و مسایل اجتماعی در ایران صورت گرفته و نتایج زیر به دست آمده است. با توجه به مصطلح بودن واژه آسیب اجتماعی، در بین دست اندرکاران و مدیران اجرایی کشور، به جای واژه هایی از جمله مشکلات اجتماعی، بحران اجتماعی، مسائل اجتماعی و ... در این پژوهش از کلمه آسیب اجتماعی استفاده شده است.

کشور ما که دارای ویژگی منحصر به فردی می باشد، از یک طرف به دلیل بافت جمعیتی بسیار جوانی که نزدیک به ۴۵ درصد جمعیت آن را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می دهند (در مقایسه با جمعیت زیر ۲۰ سال جهان که غریب به ۳۶ درصد می باشد) و از طرف دیگر به دلیل تحولات اجتماعی سریع در سطح جامعه، بروز انقلاب، جنگ تحمیلی، هجوم فرهنگی و علل و عوامل دیگر، به طور روز افزون شاهد افزایش آسیب های اجتماعی می باشد. در کشورهای مختلف جهان به علل متفاوت به بعضاً مشابه آسیب های اجتماعی دیده می شود و لذا پیش بینی محققین بر آن بوده است که به نتایج مشابهی در برخی امور دست پیدا کنیم. همان طور که می دانید مسائلی مانند بیکاری، اعتیاد، طلاق، همسرآزاری، کودک آزاری، خودکشی وده ها عامل دیگر این روزها جوامع مختلف بشری را در بر گرفته است که برای مثال می توان به چند مورد از آن اشاره کرد. ذکر این نکته نیز ضروری است که تا زمان انجام این طرح هیچ پژوهشی در مورد اولویت بندی آسیب های اجتماعی در ایران در دسترس نبود.

الف) بیکاری: به افرادی اطلاق می شود که سن آن ها بین ۶۴-۱۵ سال می باشد و شامل کارگران در جستجوی کار، اشخاص تازه به سن کار رسیده، اشخاص بدون شغل ثابت و یا دارای کار فصلی و اشخاصی که به واسطه خوابیدن کار

بیکار شده‌اند، می‌شود. امروزه بیکاری بیش از پیش به منزله‌ی چشم‌گیرترین نشانه‌ی توسعه‌ ناکامی در کشورهای جهان سوم نمایان می‌شود. در این کشورها نه تنها تعداد کثیری از افراد گرفتار بیکاری هستند، بلکه کم کاری نیز یکی از معضلات آشکار است. در ایران اقتصاد سنتی در نیمه‌ دوم قرن ۱۹ به ابتکار بازرگانان و سرمایه داران غربی و ایرانی و با تشویق و اعمال نفوذ قدرت مالی استعماری که در شمال و جنوب کشور مستقر بودند به اقتصاد نوپای جهان و بازارهای بین‌المللی وابستگی پیدا کرد. رقابت با کالای خارجی هر روزه هزاران نفر را بیکار و به خیابان‌ها می‌کشاند. بعد از پیدایش برنامه‌های توسعه، بررسی بیکاری دقیق‌تر شد؛ طبق پیش‌بینی‌های کارشناسان اقتصاد کشور در سال ۱۳۷۳ و سال پایان برنامه سوم، نرخ بیکاری ۲۰ درصد و حدود ۴ میلیون نفر بیکار عمدتاً دارای خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت از بیکاران کشور در دهه‌های گذشته می‌باشند بوده است (معمدی، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

ب) اعتیاد: اعتیاد مشکلی جهانی است و در کشور ما میزان اعتیاد حدود ۴ درصد تخمین زده می‌شود که اکثریت آن‌ها در سنین ۲۵ تا ۳۰ سال هستند. در کشورهای منطقه مانند قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان نیز آماری بالای اعتیاد حدود نیم تا یک میلیون نفر به چشم می‌خورد. در برخی مطالعات، جمعیت معتاد ایران ۲۵/۱ میلیون نفر و جمعیت معتاد پاکستان ۲ میلیون نفر ارزیابی شده است. در ایران علی‌رغم لایحه‌ی قانونی تشدید مجازات و اقدامات تأمینی درمانی برای مداوا و اشتغال به کار معتادان که در ۲۵ ماده در سال ۱۳۵۹ به تصویب رسید و علی‌رغم مبارزه دائمی با مشکل اعتیاد، متأسفانه روزه روز شاهد افزایش جمعیت معتادان در کشورمان هستیم (همان).

ج) کودک خیابانی: بسیاری از متخصصان و دولت‌های جهان معتقدند که پدیده‌ی کودکان خیابانی بزرگترین مشکل قرن ۲۱ خواهد بود و طبق گزارش سازمان ملل (UN, ۲۰۰۰) حدود ۱۴۰-۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در سراسر دنیا وجود دارد که از این تعداد حداقل ۴۰ میلیون در امریکای جنوبی، ۲۵ میلیون در آسیا، ۱۰ میلیون در آفریقا و حدود ۲۰ میلیون در اروپا زندگی می‌کنند (یونیسف، ۱۳۸۱). در ایران میزان کودکان خیابانی بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ بین ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر تخمین زده می‌شد. مطالعه‌ی ای در سال ۱۹۹۴ نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد کودکان خیابانی در کشورهای در حال توسعه، برای به دست آوردن پول برای خانوادهايشان کار می‌کنند و تحقیق در بندرعباس نشان می‌دهد کودکان خیابانی نیمی از درآمد خود را برای خانواده خرج می‌کنند (معمدی، ۱۳۸۶: ۳۳۱).

چ) فحشاء: حاشیه‌ای بودن جایگاه فاحشه‌ها، آنان را از هر گونه حمایت بین‌المللی، ملی یا متعارف که برای سایرین به عنوان شهروند، زن یا کارگر در برابر سوء استفاده‌ها وجود دارد، محروم می‌کند. این طردشدگی اجتماعی، فاحشه را در برابر بهره‌کشی آسیب‌پذیر می‌سازد. شناسایی فحشا به عنوان یک موضوع خاص حقوق بشر که خود به خود یک مورد نقض است، تمایز بین فحشاء دیگر اشکال استثمار زنان تأکید دارد. از نظر تعریف، برآوردن خواهش‌های جسمانی در برابر پول را فحشاء می‌نامند. در تعریفی دیگر، و هر نوع ارضاء غریزه جنسی از طریق جنس مخالف که مورد نكوهش قرار گیرد و با معیارهای پذیرفته شده اجتماعی مغایرت داشته باشد فحشاء می‌گویند. در کشور هند ۲۲ هزار زن به طور رسمی و قانونی از طریق فحشاء امرار معاش می‌کنند. در جایی دیگر آمار افراد شاغل به فحشاء در هند تا ۲ میلیون نفر ذکر شده است. آمار مربوط به ایران در مورد فحشاء متناقض است و تعداد ایشان بین ۳ تا ۳۰ هزار نفر ذکر شده است. نتایج یک تحقیق بر روی ۱۴۷ زن خیابانی مقیم در مراکز بازپروری سازمان بهزیستی و یا مشغول به کار در خیابان، نشان داد که حدود ۸۰ درصد

زنان خیابانی، قبل از ۱۷ سالگی و ۷/۴۳ درصد قبل از ۱۳ سالگی ازدواج کرده‌اند و در ۳۰ درصد مورد این ازدواج با مردانی بوده است که قبلاً سابقه یک و یا بیشتر ازدواج را داشته‌اند و میزان سواد ۷۸ درصد زنان خیابانی راهنمایی و پایین‌تر بوده است. در برخی آمارهای جهانی آمده است که در حال حاضر ۱۰ میلیون دختر و زن وارد بازار جهانی فحشاء و تجارت دختران و زنان شده‌اند و نکته قابل تأمل آن که مردان نیز حدود ۱۰ درصد از روسپی‌ها را در اغلب موارد تشکیل می‌دهند(همان).

ه) **بزهکاری، جنایت، سرقت و...** عوامل متعددی مانند عوامل فردی یا بیولوژیک، عوامل روانی، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی در بروز جنحه و جنایت نقش دارند. در جستجوی عوامل گوناگون نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد کدامیک از عوامل، مانند خانواده نابسامان، ناسازگاری والدین، طلاق، یتیمی، فرار از منزل و یا سایر عوامل نقش مهم‌تری در بروز جنحه و جنایت به عهده دارند و در بسیاری مواقع دیده می‌شود بیماری روانی عامل جنایت بوده است. در مطالعه‌ای بر روی زندانیان دیده شده است. حدود ۹۰ درصد زندانیان مرتکب جرائم سرقت، دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم بوده‌اند؛ ۵۲ درصد زندانیان مجرد و در زنان تعداد مجردان حدود ۱۲ درصد بوده است. بیشترین جرم در زندانیان زیر ۲۶ سال سرقت بوده است و افزایش سن، درصد سرقت کاهش می‌یابد. تحقیقات انجام شده در ۹ کشور جهان نشان می‌دهد که به طور متوسط، آمار جرم در جهان سالانه ۵ درصد افزایش می‌یابد و از ۳۵۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۵ به ۵۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۸۹ رسیده است. بر اساس تحقیقاتی که بلانکو انجام داده است ۷۷ درصد بزهکاران از خانواده‌های پرجمعیت هستند. در ایران تا پایان سال ۱۳۸۳ حدود ۱۳۰ هزار نفر در کشور زندانی بوده‌اند و هر ۴۷ ثانیه یک نفر وارد زندان یک نفر خارج می‌شود و سرقت بالاترین بزهکاری کودکان زیر ۱۸ سال است و ۵۳ درصد افراد بزهکار به واسطه سرقت دستگیر شده‌اند. وقوع برخی بلایا می‌تواند باعث افزایش بزهکاری در جامعه شود؛ مثلاً در زمان جنگ جهانی دوم میزان بزهکاری در فرانسه حدود ۷۰ درصد افزایش داشت. در ایران متأسفانه در سال‌های اخیر مواجه با افزایش رشد خشونت‌ها و قتل بوده‌ایم، به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ شاهد رشد قتل عمد به میزان ۷/۴۳ درصد بوده‌ایم(معمدی، ۱۳۸۶: ۳۳۲).

و) **فقر:** آمارهای که فقر در ایران از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۵ به علت افزایش درآمد رو به کاهش نهاده است و از ۳/۲۷ درصد به ۹/۲۰ درصد کاهش یافته، ولی برداشت عمومی مردم بر آن است که فقر در این سال‌ها عیان‌تر شده و بخش عمده شورش‌های شهری در این دوره رخ داده است(همان).

به طور کلی باید گفت در ایران چگونگی توزیع تخصیص منابع به گونه‌ای است که موجب خروج منابع از فعالیت‌های درآمدزا و اشتغال‌زا می‌شود و به جز آن ناگزیر، هم توزیع ناعادلانه‌تر را موجب می‌شود و هم خود از چنین توزیع ناعادلانه‌ای بهره‌گیری می‌کند. نارسایی‌ها و اشتباه‌ها و مسائل ناشی از کاربرد الگوی رفاه و الگوی کینزی در اقتصاد ایران که عمدتاً به دلیل عدم مداخله‌های لازم دولت منجر به عدم تعادل‌های ژرف در اقتصاد شد، این فرصت و در واقع بهانه را به دست داد تا کارشناسان همراه با ساخت قدرت و صاحبان ثروت و منابع اصلی اقتصادی، با سیاست‌های نظم‌نوین جهانی، تعدیل ساختاری، منجمدسازی هزینه‌های دولت، آزادی خروج و ورود ارز و سپس جهانی‌سازی و عضویت بی‌پشتوانه در سازمان تجارت جهانی همراه و هم آوا شوند. گروه‌هایی نیز با انگیزه مشارکت در منافع و مدیریت انحصاری دولتی از سیاست آزادی‌سازی که در واقع مدت‌ها با اختلال‌های پولی و قیمت‌ها همراه بود و نتوانست خصوصی‌سازی را به معنای

جایگزین کردن ابتکارهای خصوصی و مشارکت همگانی، به جای انحصارها و سرمایه داری ناکارآمد دولتی قرار دهد، حمایت کردند.

در اقتصاد ایران چگونگی توزیع به آن گونه از تولید مربوط می‌شود که نتیجه آن سرمایه‌گذاری در ساختمان سازی‌های گران قیمت شهری، تخریب محیط زیست، عدم امکان صدور جدی کالا، احتکار، زمین بازی و تولیدهای نامرغوب داخلی است که آن نیز تورم و بیکاری را دامن می‌زند. از تورم چنان که خواهیم دید صاحبان سرمایه‌ها و ثروت‌های باد آورده و احتکاری سود می‌برند.

اما این سودها به سمت تولید صنعتی، سرمایه‌گذاری برای بهره‌وری و ارتقای سرمایه انسانی و بالاخره گسترش بازارهای داخلی و خارجی هدایت نمی‌شود. سودها به عامل اصلاح عدم تعادل‌ها و محرومیت‌ها و به سوخت رسانی برای موتور رشد درون‌زا تبدیل نمی‌شود. سیاست‌های حمایتی و بیمه‌ای به خاطر ضعف بنیه مالی و به خاطر عملکرد انفعالی آن‌ها، به عوض آن که پیوسته به حذف نتایج منفی و محرومیت‌زای اقتصاد پردازد، در واقع فرصت برای بقای نظام یاد شده فراهم می‌آورند.

اقتصاد به اصطلاح دچار خونریزی داخلی است. به عبارت دیگر منابع به خوبی و به گونه‌ای مناسب و رشدزا در تمام رگ‌های آن حرکت نمی‌کند و زندگی اقتصادی را متعادل و رو به رشد نمی‌سازد، دچار «گریز منابع رشدزا»، شامل سرمایه و متخصصان، است. سود حاصل از شکاف‌های اجتماعی و توزیع ناعادلانه هیچ تمایلی به تشکیل سرمایه‌ی صنعتی، سوگیری صادراتی و افزایش بهره‌بری از خود نشان نداده است. برعکس بخش قابل توجهی از انباشت سرمایه به گونه‌ای بوده است که بهره‌وری کاهش و فقر و بیکاری را گسترش داده است. این گونه انباشت در ایران همانند دیگر تجربه‌های جهانی با فساد و ناکارآمدی اداری همراه بوده است. مسائل به هم پیوسته کم‌رشدی، گریز منابع، عدم توسعه‌ی انسانی و پایین بودن بهره‌وری و دسترسی نداشتن به بازارهای صادراتی به خاطر بینش‌ها و روش‌های نادرست در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پدید آمده‌اند. متأسفانه، به رغم نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری‌های کارشناسانه‌ی ارزشمند، بخشی از این بینش‌ها و روش‌ها نظام فقرزا و ناکارآمد را تشدید کرده و به نوبه خود تحت تأثیر چنین نظامی قرار گرفته‌اند و بدون درس‌آموزی از تجربه‌ها و استفاده از کارشناسان ناوارد خود را تحمیل کرده‌اند. اقتصاد ایران مجموعه و سیستم خاصی است که رکود تورمی جلوه‌ی آن، توزیع ناعادلانه و گریز منابع وجه مشخصه ساختاری آن و کم‌رشدی و فقر و کم بهره‌وری نتایج ماندگار آن‌اند، که خودشان سیستم نامتعادل و غیر قابل پیشرفت را تقویت می‌کنند (رییس‌دانا، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

ز) تکدی‌گری: در ایران بیش از ۸۸ درصد متکدیان اظهار می‌کنند که قبلاً شاغل بوده‌اند. تعداد متکدیان در ایران مشخص نیست و بین ۵۰-۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود (معمدی، ۱۳۸۶: ۳۳۳).

همچنین به گزارش دفتر اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی این مرکز، مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور را مورد بررسی قرار داده و با استناد به نتایج یک پژوهش انجام شده درباره اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه یک هزار نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، قضات، فرهنگیان، کارشناسان و روحانیان، مدیران و معاونان دستگاه‌ها، ۲۸ مسئله اجتماعی مورد پرسش قرار داده که اغلب پاسخگویان از بیکاری، **اعتیاد**، فقر و طلاق به عنوان مهم‌ترین مشکلات اجتماعی کنونی نام برده‌اند. همچنین این دفتر روند اعتیاد، خودکشی، سرقت، فرار از خانه، قتل،

نزاع و جرائم جنسی را مورد بررسی قرار داده و اعلام کرده که بررسی روند آسیب‌های یاد شده نشان می‌دهد برخی از آسیب‌ها همانند اعتیاد روندی کاملاً صعودی دارد. به گونه‌ای که میزان آن در یک دوره ۷ ساله تقریباً ۲ برابر شده است. نزاع نیز روندی صعودی دارد. روند سرقت نیز اگرچه نوسان دارد اما بیش‌تر صعودی است، روند آسیب‌هایی همچون خودکشی، فرار از خانه و قتل متغیر است و روند جرائم جنسی در ابتدای دوره مورد مطالعه صعودی بوده که بعد نزولی شده است.

این مرکز ضمن بررسی برخی از شاخص‌های مهم اجتماعی و جمعیتی کشور و با استناد به نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵ اعلام کرده که در حال حاضر ۶۸/۴۶ درصد از کل جمعیت ۷۰ میلیونی کشور را شهرنشینان، ۳۱/۴ درصد را روستائینان و ۰/۱۴ درصد را کوچ‌نشینان تشکیل می‌دهند و ظرف ۱۰ سال گذشته بیش از ۷ درصد به میزان جمعیت شهرنشین کشور اضافه شده است.

براساس این گزارش متوسط نرخ رشد جمعیت کل کشور ۱/۶۱ است و اگر فاصله سنی بین ۱۵ تا ۶۴ سن کار در نظر گرفته شود، هم اکنون نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت کشور در سن کار قرار دارند که این موضوع از نظر این‌که بار تکفل اقتصادی کم می‌شود، نکته مثبتی است اما از سوی دیگر این حجم جمعیت نیازمند کار است و به همین دلیل اشتغال از موضوعات مهم جمعیتی در حال و آینده کشور خواهد بود. بر اساس این گزارش در جریان سرشماری سال گذشته یک میلیون و ۲۱۰ هزار و ۱۶۴ نفر افغانی نیز سرشماری شده‌اند که تعداد آن‌ها نسبت به سرشماری ۱۰ سال گذشته ۴۰۵ هزار و ۷۶۰ نفر اضافه شده است.

مرکز پژوهش‌ها در پایان با بیان این مطلب که مسائل اجتماعی یکدیگر را بازتولید می‌کنند، افزود: نخستین و مهم‌ترین گام برای مقابله با مسائل اجتماعی باور به اجتماعی بودن این پدیده‌ها و توجه به این نکته است که ریشه آن‌ها را باید درون جامعه جست‌وجو کرد (همشهری آنلاین).

همچنین در تحقیقی دیگر، زنجان‌ی در رابطه با تحولات جمعیتی و پیامدهای آن به این مساله می‌پردازد که از نظر اثرگذاری و اثر پذیری جمعیت از تحول اجتماعی مسایلی چون تحول وضع ازدواج و تغییر شکل خانوار، مهاجرت‌های داخلی و سمت و سوی آنها، تحولات قومی و مسایل مرتبط به آن، وضع زنان در شرایط متحول اجتماعی، فقر و محرومیت و اقشار آسیب دیده و آسیب پذیر جامعه، اشتغال و بیکاری و مهارت‌های فنی و سرانجام باز با توزیع جمعیت و نظام شهری را می‌توان در زمره عوامل مؤثر قرار داد. در تمام این زمینه‌ها آنچه بیش از همه اهمیت دارد پاسخگویی به نیازهایی است که یا به درستی شناخته نشده‌اند و یا در گذشته اهتمام کمتری برای رفع و رجوع آنها صورت گرفته است. در شرایطی که جامعه دوران بیداری، مشارکت و پیگیری مطالبات قانونی را طی می‌کند مسایل جمعیتی نیز از قالب عدد و رقم در می‌آیند و طیف وسیعی را در بر می‌گیرند که هم بر آمار و ارقام جمعیتی اثر می‌گذارند و هم نمودی پیچیده و چند بعدی می‌یابند، به گونه‌ای که بر آورد آنها در سطح حداقل‌های مطلوب کار ساز نمی‌افتد و پاسخگویی به جنبه‌های کمی، کیفی و آرمانی را طلب

می کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲). به طوریکه می توان در رابطه با تحولات جمعیتی و تاثیرات اجتماعی آن به شرح زیر به موارد اثر گزاری اشاره نمود که عبارتند از:

الف) تعداد جمعیت

واحد مسکونی از حالت سرپناه خارج شده و همراه با خود بسیاری نیازهای دیگر را نیز مطرح ساخته است به طوری که امروزه تنها ساخت واحد مسکونی برای پاسخگویی به به نیازهای اسکان و استقرار کافی نیست، بلکه همراه و در کنار آن باید بسیاری از برنامه ریزی های خدماتی تأمین آب، برق و تلفن گرفته تا مدرسه و درمانگاه و بازار خرید و حمل و نقل و... را نیز ساخت تا این نیاز به صورت مطلوب تری بر آورده شود. پرداختن به این مسایل، واحد مسکونی را گرانتر می سازد و همین گرانی مسکن در عدم تعادل با توان اقتصادی خانوار قرار می گیرد و خود مسایل و مشکلات جدید را ایجاد می کند. لذا در کنار تأمین مسکن و نیازهای مرتبط با آن، باید به مسایل دیگری نیز اندیشید و راه حلی برای رفع آن ها جستجو کرد. پیچیدگی راه حل در ارتباط با توقعاتی قرار دارند که توسعه و بیداری در اختیار جمعیت های نیازمند قرار می دهند.

ب) جمعیت و اشتغال

در یک دوره ۴۰ ساله از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، به استناد آمارهای سر شماری، جمعیت کشور از ۱۸/۹۵۵ میلیون نفر به ۶۰/۵۵۰ میلیون نفر رسیده و ۱۷/۳ برابر شده است. در همین دوره تعداد شاغلان از ۵/۸۰۹ میلیون نفر به ۱۴/۵۷۲ میلیون نفر رسیده یعنی ۲/۴۷ برابر شده است. در صورتی که نسبت شاغلان به جمعیت در سطح سال ۱۳۳۵ باقی مانده بود تعداد شاغلان در سال ۱۳۷۵ باید ۴/۱۴۶ میلیون نفر بیش از رقم شمارش شده در آن سال می شد. معنی دیگر این امر آن است که در طول ۴۰ سال گذشته نه تنها از فشار جمعیت بر جمعیت شاغل کاسته نشده بلکه رو به افزایش نهاده است و این گوشه ای از آن مطالباتی است که به تدریج ایجاد و انباشته شده و به صورت « دین حال » در آمده است.

در همین مدت ۴۰ ساله، جمعیت فعال از ۶۰۶۷ میلیون نفر به ۱۶۲۰۷ میلیون نفر افزایش یافته و در مقابل شمار جمعیت غیر فعال از ۶۷۱۷ میلیون نفر به ۲۸/۲۲۸ میلیون نفر رسیده، یعنی در مقابل ۲/۴۷ برابر شدن جمعیت فعال، جمعیت غیر فعال کشور ۴/۲۹ برابر شده که فشار عظیمی را برای تأمین فعالیت بر جامعه تحمیل می کند. این فشار از یک طرف به تضعیف و تلاشی بازار رسمی فعالیت و اشتغال منجر می شود و از طرف دیگر بازار غیر رسمی آن را گسترش می دهد و فعالیت های غیر ضابط مندی را ایجاد می کند که مبارزه با آنها برای شفاف کردن سیمای فعالیت و اشتغال، تلاش و سرمایه فزاینده می طلبد و در نهایت نیز مهار ناپذیر می ماند.

تجربه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، تولید فرآورده های غیر مجاز، شبکه های زیر زمینی تولید و توزیع کالا، گریز از مقررات و پرداخت مالیات ها و حقوق قانونی و چگونگی عملکرد دلان ارز و مایحتاج ضروری، نمودهای روشنی از این ضعف و تلاشی بازار رسمی فعالیت است که هر روز بر پیچیدگی آن افزوده می شود و راه و روش درمان و علاج را مشکل تر می سازد. واقعیت این است که مسایلی اجتماعی به کندی شکل می گیرند و در طول دوران شکل گیری خود حساسیت های کمتری ایجاد می کنند و اما وقتی شکل گرفتند با راه و روش های اصولی با آنها برخورد نشد به گره های کوری تبدیل می شوند که با اقدامات نادرست کورتر و پیچیده تر می گردند و جامعه را در مقابل مشکلات لاینحل قرار می دهند. توجه عاجل به حل مشکل اشتغال، دست کم می بایست از روزی آغاز شد که دولت سیاست های جمعیتی گذشته را ترک کرد و به

تشویق مستقیم و غیرمستقیم زاد و ولد پرداخت. از هر زمانی که طفلی به دنیا می‌آید باید فکری برای تغذیه، بهداشت، مسکن و اشتغال وی اندیشید تا موجبات تبدیل فرد تازه متولد شده به نیرویی کار آمد در عرصه‌ی توسعه و بهروزی فراهم گردد و فرد اضافی تلقی نشود. رفع موانع مقابل سیل و عدم توجه به قدرت تخریبی آن نه تنها امکان استفاده از برکات آب جاری را سلب می‌کند بلکه آن را به نیروی مخرب و باز دارنده‌ای تبدیل می‌کند که توان و زمان زیادی را برای جبران می‌طلبد(همان).

ابعاد دیگری که پیچیدگی مسأله‌ی اشتغال و فعالیت را برجسته تر می‌سازد، سرمایه، فناوری و زمان لازم برای ایجاد اشتغال و وضعی است که جمعیت شاغل ما در حال حاضر از نظر مهارت و یا حداقل سطح تحصیلات دارد. کافی است اشاره شود که در سال ۱۳۷۵ در بین ۲/۲۵۵ هزار نفر شاغلان گروه عمده صنعت(ساخت) حدود ۱۴/۱ درصد بی سواد، ۳۴/۶ درصد با سواد در سطح ابتدایی، ۲۳/۳ درصد دارای سطح سواد راهنمایی تحصیلی بودند و تنها ۳/۲ درصد را دارندگان تحصیلات عالی تشکیل می‌دانند که بی تردید، بخش قابل توجهی از آنها متشکل از دارندگان تحصیلات عالی غیرفنی بوده اند و شمار متخصصان در این گروه عمده شغلی از ۵۳/۶۱۴ نفر تجاوز نمی‌کرده است. با چنین ترکیبی از سواد و تخصص، نیروی کار شاغل در گروه عمده‌ی صنعت نمی‌تواند جایگاه مطلوبی برای تولیدات صنعتی کشور تدارک ببیند و فرآورده های صنعتی قابل رقابت در عرصه‌ی مبادلات جهانی را فراهم سازد(زنجان، ۱۳۸۰: ۱۷).

در واقع با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام یافته می‌توان چنین گفت: مسائل اجتماعی، وضعیت و شرایطی است که به اعتقاد اکثریت افراد جامعه، شرایط مزبور، کیفیت زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی را مختل می‌کند، مهم‌ترین ارزش‌های عام را به خطر می‌اندازد و به رغم تلاش‌های فراوانی که افراد به عمل می‌آورند، به آرمان‌ها و هدف‌های مشروع خود دست نمی‌یابند. از این رو افراد و گروه‌های اجتماعی به این باور می‌رسند که برای تغییر یا اصلاح وضع موجود، باید به اقدامی جمعی دست زنند.

در تعریف مسائل اجتماعی توجه به این نکته لازم است که: ((مسائل اجتماعی لزوماً شامل مسائلی نیستند که مربوط به حوزه‌ی اجتماع و حوزه‌ی جامعه‌شناسی باشند. بلکه اجتماعی شدن هر یک از مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جمعیتی است که مسئله‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند)). اجتماعی شدن مسائل به معنی شایع شدن، رواج یافتن، فراگیر شدن و مورد توجه عموم قرار گرفتن آن مسئله است. شیوع هر یک از مسائل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی را می‌توان از آمار و ارقام، نظرسنجی‌ها و نظرات گروه‌های مرجع مانند: خبرگان، مردم و مسئولان شناسایی کرد. عدم شناسایی مسائل اجتماعی که در مسیر تحولات اجتماعی و بر سر راه توسعه قرار گرفته، مانع از پیشرفت و رسیدن به وضعیت مطلوب و باعث عقب‌ماندگی جوامع می‌شوند.

ریشه‌ی مسائل اجتماعی در بطن نهادهای اجتماعی است که بر اثر کارکرد نامناسب آن‌ها شکل می‌گیرند و در گذر زمان چهره می‌نمایند و فراسوی افراد و گروه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و جنبه‌های عینی و ذهنی به خود می‌گیرد. مسائل اجتماعی در متن جامعه بروز می‌کنند و در بستر زمان می‌توانند به آسیب‌دیدگی افراد منجر شده و بسترهای انحرافی را فراهم سازند. رفتارهای انحرافی نیز زمانی تبدیل به مسئله‌ی اجتماعی می‌شوند که نظام گسیختگی و ناهم‌نواپی در جامعه آن چنان گسترش یابد که رفتارهای مذکور به حدی شیوع یابند که برای اقشار مختلف جامعه شرایط رنج‌آوری را به وجود آورند و

حیات اجتماعی را دچار اختلال کنند. گاهی رفتاری انحرافی بر اثر شیوع، عادی تلقی شده و به صورت هنجار درمی آیند. در این حالت اوضاع برای خبرگان، مردم و مسئولان پیچیده و دشوار می شود (آقابخشی، ۱۳۸۸).

از آن جا که امروزه توسعه، اصلاح و بهبود حیات اجتماعی در همه ی جوامع مورد توجه و پذیرش است، هرگونه تلاش در جهت اصلاح، رفع و پیشگیری از بروز مسائل اجتماعی شده به معنای تلاش در جهت رفع موانع توسعه و پیامدهای عقب ماندگی است. بنابراین موفقیت در مقابله با مسائل اجتماعی معرف موفقیت در امر توسعه و بهبود حیات اجتماعی جامعه است.

به این ترتیب با شناخت صحیح مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی ایران و تاجیکستان، برنامه ریزی دقیق برای حل مهم ترین مسائل اجتماعی این دو کشور ممکن می شود. البته حل مسائل اجتماعی شده تابع خواست و اراده ی جمعی مردم و مسئولان است که به این منظور، در مرحله ی اول پذیرش وجود مسئله و فراخوان عمومی برای حل هر مسئله از اهمیت بالایی برخوردار است. بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی کشورها به دلیل انکار وجود مسئله از طرف مسئولان، امکان بروز و ظهور یافته و این مسائل در راستای رشد خود، مسائل دیگری را نیز پدید آورده اند.

براساس تعریف دیگری که اشاره به تبیین اجزای ذهنی مسائل اجتماعی دارد و از رویکردهای کارکردگرا و تضاد ارزشی است، مسئله ی اجتماعی، فرآیندی است که طی آن برخی گروه ها پیروزمندانه موفق می شوند، شرایطی را در جامعه خود به عنوان مسئله ی اجتماعی معرفی کنند. از سویی جامعه شناسان معمولاً مسئله ی اجتماعی را وضعیت ظاهر شده ای می دانند که با ارزش های تعداد قابل توجهی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (ارل رابینگن، ۱۳۸۲).

نکته ی ۱- در مقابل مسائل اجتماعی، مسائل «فردی» وجود دارند که مربوط به وضعیت شخص و ارتباط درهم تنیده ی او با دیگران است. در مسائل فردی تنها ارزش های مورد نظر فرد تهدید می شود و به همین دلیل با مراجعه به فرد، می توان به مسئله ی فردی او پیی برد و در صدد چاره ی برد. برخی از پژوهشگران و به ویژه مسئولان حکومتی به طرز زیرکانه ای از طرح مسائل اجتماعی طفره می روند و به جای آن ها مسائل فردی کم ارزش و مسائل حکومتی غیر اجتماعی را پربها می کنند (آقابخشی، ۱۳۸۸: ۷).

نکته ی ۲- باید در نظر داشت که برخی مسائل اجتماعی ویژگی ذاتی نظام اجتماعی غالب جامعه هستند و بنابراین ممکن است در قالب نظام اجتماعی موجود قابل حل نباشند. در این صورت خود نظام موجود مانع اصلی تحول و تکامل و عمده ترین مسئله ی اجتماعی جامعه محسوب می شود. تحت چنین شرایطی است که مردم به انقلاب و تحول نظام موجود گرایش پیدا می کنند (عبدالهی، ۱۳۸۳).

- برای تشخیص مسائل اجتماعی به چهار اصل زیر باید توجه کرد:

۱. وجود شرایط دشوار و رنج آور در جامعه

۲. گستردگی و عرصه ی وسیع این شرایط

۳. تغییرپذیری شرایط موجود

۴. تغییر شرایط موجود با اقدام جمعی

برای نمونه، در جامعه‌ی امروز ایران، اعتیاد هم به عنوان مسئله‌ی اجتماعی و هم از جنبه‌ای به عنوان آسیب اجتماعی، شیوعی بی‌سابقه دارد و برخلاف دهه‌های گذشته، منحصر به گروه و قشر خاصی نیست، به شکلی که سن شروع اعتیاد به زیر سن ۱۵ سالگی رسیده است. این شرایط رنج‌آور در جامعه به دلیل گستردگی و شیوع آن و البته تغییرپذیری این وضعیت با اقدامی جمعی بیانگر بروز یک مسئله‌ی اجتماعی است (آقابخشی، ۱۳۸۸: ۱۲).

لازمه‌ی ساخته شدن یک مسئله‌ی اجتماعی موفقیت‌آمیز، متقاعد شدن دیگران نسبت به این امور است. اول این‌که: شرایطی وجود دارد، دوم این‌که: این شرایط مشکل‌زا و گسترده و شایع است. سوم و چهارم، این شرایط می‌تواند تغییر یابد و باید تغییر یابد.

به طوریکه لوژیک اظهار می‌دارد، ادعاسازان درباره‌ی این‌که آیا شرایطی (مسئله) هست یا نیست، درباره‌ی این‌که مهم‌ترین اخلاقیات چیست و درباره‌ی این‌که چه اخلاقیاتی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، با هم موافق نیستند. رقابت دیگری که معمول است رقابت بر سر تعداد است. در این وضعیت شرایطی را می‌توان مسئله‌ی اجتماعی دانست که شایع باشد. بنابراین، رقابت‌های بسیاری بر سر حدود و اندازه‌های شرایط وجود دارد. جدال‌های آماری در رقابت‌ها بر سر مسائل اجتماعی بسیار مهم است. پیروز شدن در بازی مسائل اجتماعی مستلزم آن است که حضار بر سر شایع بودن شرایطی متقاعد شوند. جنگ و درگیری بر سر تعداد از جمله انواع مهم رقابت است (لوژیک، ۱۳۸۳). مثلاً اثبات پدیده‌ی اعتیاد در ایران.

بنابر این می‌توان گفت که شناخت مسائل اجتماعی بستگی به شناخت علمی اهداف و آرمان‌های جامعه، امکانات و محدودیت‌های موجود بر سر راه تحقق آن‌ها دارد. البته این هدف‌ها و آرمان‌ها بر حسب هر یک از واحدهای اجتماعی تغییر می‌کنند.

معمولاً مردم هر جامعه به‌ویژه جوامع کمتر توسعه یافته یا در حال گذار بیشتر به هدف‌ها و آرمان‌های خود می‌اندیشند و نسبت به عوامل و موانع اساسی مؤثر در تحقق آن‌ها آگاهی کمتری دارند و بیشتر به مسائل شخصی و (خاص) خود توجه دارند تا مسائل اجتماعی و (عام).

به طوریکه راه‌حل‌های پیشنهادی آنان بیشتر فردی و سطحی‌اند و جنبه‌ی درمانی دارند تا پیشگیری. به این ترتیب نباید به تشخیص افراد عادی اکتفا کرد چرا که ممکن است آن‌چه آن‌ها می‌گویند با مسائل اجتماعی حقیقی فاصله داشته باشند.

محققان نیز گاهی بیش از حد تحت تأثیر داد و فریادها و القائات سیاسی قرار می‌گیرند و این امر آنان را در تشخیص مسائل اساسی و راه‌حل‌های مناسب دچار مشکل می‌سازد.

مسائل اجتماعی را از طریق بررسی آماری و حداقل سه گروه مرجع می‌توان شناسایی کرد:

۱. مردم.

۲. مسئولان (حاکمان، دولت‌ها و کارگزاران دولتی).

۳. نخبه‌ها و خبره‌ها (کارشناسان آگاه حوزه‌ی علوم انسانی).

هر یک از این سه گروه در تحلیل خود از مسائل اجتماعی و معرفی آنها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به طوری که نگرش گروه‌های مرجع در تشخیص مسائل اجتماعی تابع منافع و هم‌چنین سطحی یا عمقی‌نگری در آنهاست. در ادامه، مثالی در ارتباط با مناقشه‌ی تعداد جمعیت و نحوه‌ی برخورد با آن در ایران آورده شده است:

در حالی که نرخ رشد جمعیت ایران در سال‌های پس از انقلاب (۱۳۵۷ ه.ش)، ابتدا افزایش چشم‌گیر داشت و سپس رو به کاهش نهاد و در پی آن جمعیت ایران از ۳۳۷۰۸۷۴۴ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر در سال ۱۳۷۵ رسید، مناقشه‌ی علمی‌ای بین مسئولان حکومتی و خبرگان غیر حکومتی وجود داشت و آن این‌که: مسئولان حکومتی افزایش تعداد جمعیت را «انفجار جمعیت» خوانده و آن‌را به عنوان مسئله‌ی اجتماعی (جمعیت‌شناختی) معرفی می‌کردند و برنامه‌های کنترل مولید و کاهش زاد و ولد را در پیش گرفتند. خبرگان غیر حکومتی چندان موافقتی با اجرایی کردن برنامه‌های کنترل مولید که بر کاهش نرخ رشد و جمعیت ایران اثرگذار بود نداشتند و معتقد بودند که به علت پهناور بودن سرزمین ایران، وجود منابع و ثروت‌های متعدد طبیعی و وجود ظرفیت‌های اشتغال در ایران و لزوم افزایش جمعیت برای کسب قدرت منطقه‌ای و غیره، نه تنها جمعیت ایران زیاد نیست، بلکه می‌توان با برنامه‌های تشویقی به افزایش جمعیت ایران کمک کرد. در ضمن خبرگان علت نگرانی مسئولان در ارتباط با افزایش جمعیت را ناتوانی دولت در برنامه‌ریزی و به کارگیری منابع و ثروت‌های ملی می‌دانستند و اعتقاد بر این بود که اگر دولت با برنامه‌ریزی صحیح، منابع تولید را در خدمت اشتغال، تجارت و سرمایه‌گذاری‌های بنیادین قرار دهد نیاز به نیروی انسانی خواهد داشت که افزایش مولید (زاد و ولد) راه‌گشای پیشرفت و توسعه در ایران خواهد بود. نهایتاً برنامه‌های تنظیم خانواده جایگزین برنامه‌های کنترل مولید شد و عقلا نیت بخشی بر بعد خانوار، در دستور کار قرار گرفت.

بنابراین منابع تشخیص مسائل اجتماعی نقشی بسیار مؤثر در شناخت صحیح مسائل و شناسایی راهکارهای آن دارند (خرات‌ها، ۱۳۸۸). پژوهشگران مسائل اجتماعی برای طرح صحیح مسائل نیازمند استقلال از دخالت قدرت‌ها هستند که در آن بتوانند ضمن پرهیز از وابستگی‌های سیاسی، قومی و ایدئولوژیک، با تنظیم ارتباطات دائمی و مناسب با مردم و مسئولان و با رعایت اخلاق حرفه‌ای و استفاده از بینش‌ها و روش‌های جامع و تلفیقی، آزادانه، خردمندانه و به دور از هر نوع سلطه، پیرامون مسائل اجتماعی جامعه به گفت‌وگو و تبادل اندیشه بپردازند. آن‌ها باید بتوانند با اتکای خرد جمعی خود درباره‌ی عمده‌ترین مسائل اجتماعی جامعه به توافق نسبی دست یابند و دانش علمی خود را از طریق برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های تخصصی ترویج نمایند و مردم، مسئولان و کارشناسان بخش اجرایی را در به‌کارگیری یافته‌های علمی یاری رسانند.

روش

این پژوهش مبتنی بر انجام مطالعه اکتشافی و اجرای عملیات میدانی است.

الف - مطالعه اکتشافی: به منظور دستیابی به فهرستی معتبر از مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان ابتدا به منابع و اسناد معتبر شامل پژوهش‌ها و مقالات علمی - پژوهشی و سپس کتب معتبر و همین‌طور سایت‌های اینترنتی و گزارش‌های خبری مربوط به این حوزه مراجعه و مسائل «شناسایی شده‌ی» ایران و تاجیکستان فهرست شد.

به جهت تکمیل و روزآمدسازی فهرست مسائل حاصل از مطالعه‌ی اسناد، فهرست به دست آمده در اختیار ۵ نفر از خبرگان معتبر و آشنا به موضوع مسائل جمعیتی قرار گرفته و از ایشان در ارتباط با سایر مسائل شناسایی شده در ایران و در

تاجیکستان نظرخواهی شد. بنابراین فهرستی از مسائل ایران و تاجیکستان به دست آمد که این فهرست (۳۸ مسئله) مبنای پرسش‌های مربوط به عملیات میدانی قرار گرفت.

به منظور تعیین اولویت‌ها و جایگاه هر مسئله در بین مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان، طی دو مرحله به دو جامعه آماری معتبر مراجعه و اطلاعات لازم جمع‌آوری شد.

ب - مرحله اول: (مطالعه میدانی) مصاحبه با خبرگان

در این مرحله تعداد ۵۰ نفر از خبرگان فعال در حوزه‌ی مسائل (اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) ایران و ۴۸ نفر در تاجیکستان مورد مصاحبه قرار گرفتند. بر این اساس پاسخگویان به هر یک از مسائل شناسایی شده با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها امتیازی از صفر تا ده (۰ تا ۱۰) دادند و پیش‌بینی خود از امید به حل هر یک از این مسائل تا ۱۰ سال آینده را نیز ابراز نمودند.

پ - مرحله دوم: (مطالعه میدانی) مصاحبه با مردم

پس از جمع‌آوری و پردازش اطلاعات دریافتی از خبرگان، نظر آنها در خصوص مسائل مهم‌تر و شایع‌تر در هر یک از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی شناسایی و سپس بر آن اساس ۱۲ مسئله از مهم‌ترین و شایع‌ترین مسائل ایران و تاجیکستان در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار تعدادی از مردم ایران و تاجیکستان (نمونه‌ی انتخابی) قرار گرفت. مردم نیز در این مرحله به هر یک از ۱۲ مسئله اقتصادی، اجتماعی و دموگرافی کشور خود با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها نمره‌ای از (۰ تا ۱۰) داده‌اند.

ابزارهای پژوهش بر اساس ویژگی‌های روش و جامعه‌ی آماری شامل موارد زیر بوده‌اند:

الف - طراحی پرسشنامه‌ای از فهرست مسائل ایران و تاجیکستان و چند مرحله مراجعه به کارشناسان خبره جهت دستیابی به فهرست معتبر و جامع، در قالب مطالعه‌ی اکتشافی.

ب - انجام مصاحبه‌ی ساخت‌یافته، جهت جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شناسایی مهمترین مسائل ایران و تاجیکستان. در این مرحله پرسشنامه‌ای مبنای مصاحبه قرار گرفته و نظر کارشناسان خبره جمع‌آوری شد.

پ - انجام مصاحبه‌ی ساخت‌یافته، پس از شناسایی مهم‌ترین مسائل ایران و تاجیکستان و شناسایی مهمترین مسائل (طبق نظر کارشناسان خبره) اطلاعات به دست آمده مورد پردازش با (نرم افزار SPSS) قرار گرفت و ۱۲ مسئله مهم و برتر شناسایی شده از مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی ایران و تاجیکستان در قالب پرسشنامه‌ای در برابر نظر شهروندان هر دو کشور (نمونه‌های انتخاب شده) قرار گرفت. پرسشنامه‌های طراحی شده در این مرحله توسط پرسشگران و طی گفتگوی حضوری تکمیل و پاسخ‌ها دریافت شد.

جامعه‌ی آماری این پژوهش در مرحله‌ی مطالعه‌ی اکتشافی را اسناد علمی تشکیل داده و در مطالعات میدانی نیز جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل خبرگان (کارشناسان) و مردم (ایران و تاجیکستان) بوده است.

الف - مطالعه‌ی اکتشافی:

در بخش نظری، به منابع و اسناد کتبی (پژوهش‌ها، مقالات علمی و کتب) معتبر در حوزه‌ی مسائل (اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) ایران و تاجیکستان مراجعه شد و جهت مشورت و تکمیل فهرست مسائل هر یک از دو کشور به ۵ نفر از کارشناسان خبره‌ی حوزه‌ی مسائل و آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، مراجعات متعددی صورت گرفت.

ب - عملیات میدانی (مصاحبه با خبرگان) در ایران و تاجیکستان:

در این مرحله با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی (گلوله برفی) به کارشناسان خبره‌ای که مورد وثوق و اعتماد علمی قرار داشته و مورد ارجاع سلسله‌مراتبی قرار گرفتند، مراجعه شد. مراجعات اولیه به کارشناسان خبره مستقر در دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی تخصصی بوده و مراجعات بعدی بر اساس ارجاع کارشناسان به سایر خبرگان صورت گرفت. نمونه‌ها تا مرحله‌ای ادامه یافتند که یا اسامی خبرگان و یا یافته‌های پژوهش دچار تکرار شوند و به عبارتی شاخه‌ها دچار اشباع شدند. بر اساس برآوردهای اولیه رقم قابل اعتماد در این نوع نمونه‌گیری ۵۰ نفر بود، که در تاجیکستان این تعداد برابر با ۴۸ نمونه نهایی بود.

کارشناسان خبره افرادی بودند که دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر در ایران و کاندیداتوری علم و بالاتر در تاجیکستان بوده و در حوزه‌ی مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی دارای آگاهی و قابلیت ارجاع بوده‌اند.

پ - عملیات میدانی (مصاحبه با مردم) در ایران و تاجیکستان:

جامعه‌ی آماری این مرحله از پژوهش را مردم (تبعه) ایران و تاجیکستان تشکیل داده‌اند. با توجه به این که پاسخگویی به پرسش‌های این پژوهش نیازمند برخورداری از اطلاعات و تجربه‌ی زندگی و آشنایی نسبی با مسائل جامعه است، پاسخگویان پژوهش از میان افراد متاهل، حداقل یک بار ازدواج کرده و یا سرپرست خانوار برگزیده شدند.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

الف. خبرگان (ایران و تاجیکستان)

ایران: ویژگی‌های فردی پاسخگویانی که به عنوان یکی از خبرگان حوزه‌ی مسائل اقتصادی، اجتماعی، دموگرافی ایران به پرسشنامه‌ی این پژوهش، پاسخ داده‌اند به قرار زیر است:

- ۸۷/۵ درصد از پاسخگویان مرد و ۱۲/۵ درصد از آن‌ها زن بوده‌اند. همچنین ۲ نفر از پاسخگویان جنسیت خود را در پرسش‌نامه مشخص نکرده بوده‌اند. ۴۲ درصد (۲۱ نفر) از خبرگان دارای مدرک تحصیلی دکترا، ۱۲ درصد (۶ نفر) دانشجوی دکترا و ۴۶ درصد (۲۳ نفر) نیز کارشناس ارشد بوده‌اند.

- بیشترین درصد از پاسخگویان یعنی ۲۹/۲ درصد (۱۴ نفر) از آن‌ها جامعه‌شناس بوده‌اند. پس از آن ۱۲/۵ درصد (۶ نفر) در حوزه‌ی پژوهش علوم اجتماعی و ۶ نفر در علم تاریخ تخصص داشته‌اند. سایر خبرگان دارای تخصص‌هایی همچون مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی، مسائل و آسیب‌های اجتماعی، اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری بوده‌اند.

- ۳۳/۳ درصد (۱۶ نفر) از پاسخگویان اعضاء هیئت‌های علمی دانشگاه‌های کشور، ۲۵ درصد (۱۲ نفر) پژوهشگر، ۲۹/۲ درصد (۱۴ نفر) از اساتید دانشگاه‌های کشور، ۵ درصد (۱۰ نفر) کارمند و ۱ نفر نیز کارشناس حقوقی بوده است. ۲ نفر نیز شغل خود را بیان نکرده‌اند.

تاجیکستان: بر اساس روش پژوهش و با استفاده از الگوی معرفی شده در بخش روش شناسی، پرسشنامه تهیه شده، از طریق خبرگان آکادمی دموگرافی در اختیار سایر خبرگان مورد تایید و موجه در مراکز علمی و پژوهشی تاجیکستان قرار گرفت و در نهایت با چرخش پرسشنامه در میان خبرگان تاجیکستان تعداد ۴۸ پرسشنامه تکمیل و مورد بررسی نهایی قرار گرفت. با توجه به وجود آنچه که می توان (شرایط تاجیکستان و یا اختیار پاسخگویان) نامید. بیشتر خبرگان پاسخگو از بیان مشخصات خویش خودداری کرده و ترجیح داده اند که در ضمن ارایه نظرات خود، ناشناس باقی بمانند. البته در این گونه پژوهشها برای معرفی پاسخگو اجباری در کار نیست و مهم آن است که پرسشنامه در اختیار افرادی آگاه و متخصص قرار گیرد، و البته فرایند تکمیل و علمی بودن این پرسشنامه ها به تایید استاد راهنمای (راهنبر) این پژوهش و آکادمی علوم تاجیکستان رسیده است.

ب. مردم (ایران و تاجیکستان)

ایران: چنانکه در بخش اطلاعات دموگرافی ایران ذکر شد، بر اساس سرشماری عمومی مسکن و نفوس سال ۱۳۸۵ و مطالعات اولیه، ۲۹۰ شهر در ایران معرفی شده اند که تهران با ۷۷۰۵۰۳۶ نفر دارای بیشترین جمعیت و شهر گالیش (واقع در استان گلستان) با ۲۰۰۰۹ نفر دارای کمترین جمعیت شهری بوده است. در میان این شهرها، ۶ شهر بیش از ۱ میلیون نفر، ۶ شهر از ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر، ۱۳ شهر از ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر، ۵۱ شهر از ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر و ۲۱۴ شهر نیز کمتر از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند. در صورتی که با استفاده از فرمول کوکران با سطح تعمیم ۹۵ درصد و خطای فاصله‌ی ۵ درصد حجم نمونه را تصویر کنیم، حدود ۴۰۰ نفر می باشد.

اختصاص حجم نمونه با توجه به ۳ شاخص ۱- تعداد جمعیت، ۲- پراکنش جغرافیایی و ۳- مرکزیت استان، صورت گرفت. بنابر دسته بندی های صورت گرفته از بین شهرهایی که دارای جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر هستند یک شهر (تهران)، از بین شهرهایی که دارای جمعیت ۵۰۰ تا یک میلیون نفر هستند یک شهر (قم)، از بین شهرهایی که دارای جمعیت ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفری هستند یک شهر (سندج)، از بین شهرهایی که دارای جمعیت ۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر بوده اند یک شهر (سمنان) و از بین شهرهایی که کمتر از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارند نیز یک شهر (یاسوج) انتخاب شد. شهرها و شهرستان های انتخاب شده برخوردار از نواحی شهری و روستایی هستند که نمونه ها با توجه به این نکته انتخاب شده اند. به علاوه، با توجه به جمعیت نواحی انتخاب شده، نمونه ها نیز متفاوت خواهند بود. به این شکل که در تهران ۱۲۰ پاسخگو، در قم ۱۰۰ پاسخگو، در سندج ۸۰ پاسخگو، در سمنان ۶۰ پاسخگو، در یاسوج ۴۰ پاسخگو مورد پرسش قرار گرفتند. نمونه ها از چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، شرق و غرب) این نواحی، به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

ویژگی های فردی پاسخگویان (مردم ایران) به این شرح بوده است: مردم پاسخگو به پرسشنامه ی مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی ایران در مجموع ۴۰۰ نفر بوده اند، از این تعداد ۱۹۲ نفر (۴۸ درصد) مرد و ۲۰۸ نفر (۵۲ درصد) زن بوده اند. بعلاوه ۳۸۷ نفر برابر با ۹۶/۸ درصد از پاسخگویان متأهل، ۸ نفر (۲ درصد) مجرد بر اثر طلاق و ۵ نفر (۱/۳ درصد) مجرد بر اثر فوت همسر بوده اند. در میان پاسخگویان ۳۳ درصد دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم، ۲۴ درصد راهنمایی، ۱۴/۵ درصد ابتدایی،

۷/۸ درصد کارشناسی، ۷/۳ درصد تحصیلات حوزوی، ۶/۸ درصد فوق دیپلم، ۳/۸ درصد بی سواد، ۲ درصد کارشناسی ارشد و ۰/۵ درصد از تحصیلات دکتری برخوردار بوده‌اند.

۲۰۳ نفر (۵۰/۸ درصد) از مردم پاسخگو شاغل، ۱۷۶ نفر (۴۴ درصد) خانه‌دار، ۱۴ نفر (۳/۵ درصد) بازنشسته، ۳ نفر (۰/۸ درصد) بیکار و یک نفر (۰/۳ درصد) دانشجوی بوده‌اند و ۳ نفر نیز شغل خود را بیان نکرده‌اند.

تاجیکستان: برای جمع آوری اطلاعات از مردم تاجیکستان نیز شیوه و حجم نمونه‌ای مشابه با ایران در دستور کار قرار گرفت. بنابراین تعداد جمعیت، پراکنش جغرافیایی و مرکزیت در انتخاب محل جمع آوری اطلاعات مورد توجه قرار گرفت. به علاوه: پاسخگویان از میان افراد متاهل، حداقل یک بار ازدواج کرده و یا سرپرست خانوار برگزیده شدند.

ویژگی‌های فردی پاسخگویان (مردم تاجیکستان) به شرح زیر بوده است:

مردم پاسخگو به پرسشنامه مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی تاجیکستان در مجموع ۴۰۰ نفر بوده‌اند، که این نمونه‌ها از چهار مجموعه سکونت‌گاهی انتخاب شدند: ۱- دوشنبه ۲- وحدت ۳- قرقان تپه ۴- خجند. نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از این مراکز با توجه به تعداد جمعیت آن‌ها انتخاب شد. به طوری که از مجموع ۴۰۰ نمونه، ۲۰۰ نمونه از دوشنبه، ۱۰۰ نمونه از خجند، ۶۰ نمونه از قرقان تپه و ۴۰ نمونه از وحدت انتخاب شده‌اند. از این تعداد ۲۳۰ نفر (۵۷/۵ درصد) مرد و ۱۷۰ نفر (۴۲/۵ درصد) زن بوده‌اند. ۲۷۲ نفر (۶۸ درصد) پاسخگویان خود را متاهل (اولاددار)، ۹۳ نفر (۲۳/۳ درصد) مجرد به علت فوت همسر و ۳۴ نفر (۸/۵ درصد) مجرد به علت طلاق معرفی کرده‌اند و یک نفر نیز وضعیت تاهل خود را بیان نکرده است. ۱۸۰ نفر (۴۵ درصد) از پاسخگویان تحصیلات خود را مجستر، ۸۶ نفر (۲۱/۵ درصد) مکتب اتکتار، ۶۲ نفر (۱۵/۵ درصد) لتسی، ۴۰ نفر (۱۰ درصد) باکالور، ۲۴ نفر (۶ درصد) اسپرانت، ۳ نفر (۰/۸ درصد) ابتدایی و یک نفر تحصیلات خود را بی سواد بیان کرده است. به علاوه ۴ نفر نیز به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۲۴۱ نفر (۶۰/۳ درصد) از پاسخگویان خود را شاغل، ۷۳ نفر (۱۸/۳ درصد) بیکار، ۵۰ نفر (۱۲/۵ درصد) دانشجوی، ۳۰ نفر (۷/۵ درصد) خانه‌دار و ۵ نفر (۱/۳ درصد) خود را نفقه‌گیر (بازنشسته) معرفی کرده‌اند. یک نفر نیز به پرسش مربوطه پاسخ نداده است.

یافته‌های پژوهش

الف. بررسی و شناسایی مهمترین مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان.

در این قسمت به بررسی و شناسایی دیدگاه خبرگان و مردم ایران و تاجیکستان پیرامون مسائل جمعیتی دو کشور پرداخته شده است.

۱. مهمترین مسائل جمعیتی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه خبرگان ایران.

بنابر یافته‌های جدول شماره ۱، ۱۴ مسئله (به دلیل مشابهت دو مسئله جمعیتی با مسائل اجتماعی، به جای ۱۲ مسئله، ۱۴ مسئله انتخاب شده‌اند). از مهم‌ترین مسائل جمعیتی ایران به لحاظ شیوع و اهمیت آن‌ها از دیدگاه خبرگان را نشان می‌دهد که به ترتیب عبارتند از: ۱. گرانی مسکن (از منظر جمعیت شناختی)، با برخورداری از میانگین امتیازات ۷/۵۵، ۲. فراوانی مهاجرت به خارج از کشور، با برخورداری از میانگین امتیازات ۷/۳۹، ۳. فراوانی مهاجرت از روستا به شهر، با برخورداری از میانگین امتیازات ۷/۳۳، ۴. بالا رفتن سن ازدواج (جمعیتی)، با

برخورداری از میانگین امتیازات ۷/۲۹، ۵. توسعه نیافتگی، با برخورداری از میانگین امتیازات ۷/۱۰ و پس از آن فرسودگی مسکن با میانگین ۷/۰۶، کمبود مسکن با میانگین ۶/۷۳، جوانی جمعیت با میانگین ۶/۵۵، طلاق با میانگین ۶/۵۲، تغییر در ساختار خانواده با میانگین ۶/۵۰، تجردگرایی با میانگین ۶/۴۵، پایین بودن امید به زندگی با میانگین ۶/۳۵، اسکان غیررسمی با میانگین ۶/۳۰ و مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار با میانگین ۶/۱۸.

رأس جدول مسائل جمعیتی ایران گویای شیوع و اهمیت مسائل مهاجرتی، مسکن و ازدواج است. به طوری که مهاجرت به خارج از کشور و مهاجرت از روستا به شهر به مسائل اساسی جمعیتی ایران تبدیل شده‌اند. این مسائل تابع شرایط نابسامان اقتصادی، اجتماعی و توسعه نیافتگی جامعه در مقایسه با بسیاری از جوامع و توسعه نیافتگی روستاها در برابر شهرها است. گرانی و فرسودگی مسکن در سطح کشور به همراه کمبود مسکن که ناشی از ناتوانی و یا کم توانی خانواده‌ها در ساخت مسکن و بی‌تفاوتی و یا ناکافی بودن تلاش‌های مسئولین و متولیان امر به همراه وجود قوانین دست و پاگیر شهرداری‌ها و بخشداری‌ها و دهداری‌ها است، مسئله‌ی مسکن را به یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین مسائل جمعیتی ایران تبدیل ساخته است. نابرابری نرخ رشد جمعیت در ایران با نرخ ساخت و ساز در ایران نیز گویای تداوم این مسئله در سال‌های پیش‌رو است. در صورتی که فرسودگی مسکن و لزوم بازسازی و نوسازی آن‌ها را نیز به کمبود مسکن اضافه کنیم، به اهمیت هرچه بیشتر مسئله‌ی مسکن در ایران پی خواهیم برد. مسائل مسکن یکی از مهم‌ترین مسائل تأثیرگذار بر ازدواج جوانان بوده و به هرچه بالا رفتن سن ازدواج دامن زده است. جوانی جمعیت در ایران با طی روند فعلی و با توجه به تجردگرایی و بالا رفتن سن ازدواج به معنای پیری جمعیت در آینده نزدیک است.

تغییر در ساختار خانواده و گرایش جوانان به ازدواج‌های موقت، کم‌تعهد، بدون فرزند و گرایش به روابط دوستانه‌ی بلندمدت به جای ازدواج‌های منجر به طلاق و گرایش به هم‌خانگی به جای همسری و سایر اشکال نوپدید در ساختار خانواده، سردرگمی جمعیتی را ایجاد کرده و در مرحله‌ی گذار از گمانه‌زنی‌های انواع همزیستی به جای تشکیل خانواده‌های سنتی و در نبود پذیرش وجود تحولات فرهنگی در جامعه از جانب مسئولان این گذار در نظر مسئولان به انحراف تعبیر شده و تا استقرار فرهنگ جدید که تنوع‌گراتر از اشکال سنتی ازدواج می‌نماید، این مسئله هم‌چنان به عنوان مسئله‌ی اساسی جمعیتی ایران باقی خواهد ماند. فشارهای متعدد اقتصادی، اجتماعی و شرایط جدید فرهنگی موجب شده است که ایران به عنوان یکی از کشورهای پیش‌رو در آمار طلاق مطرح شود و جامعه‌ی ایرانی با پیامدهای متعدد و ناگوار طلاق روبرو شود. تعدد طلاق‌ها و نبود پوشش بیمه و امنیت فرهنگی زنان بدون همسر (طلاق یا فوت)، مسائل زنان سرپرست خانوار را به عنوان یکی از مسائل جمعیتی ایران مطرح ساخته است.

جدول شماره ۱: مهمترین مسائل جمعیتی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه خبرگان

رتبه	مسائل جمعیتی ایران	میانگین امتیازات (۱۰-۰)
۱	گرانی مسکن (جمعیتی)	۷.۵۵
۲	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور	۷.۳۹
۳	فراوانی مهاجرت از روستا به شهر	۷.۳۳
۴	بالا رفتن سن ازدواج	۷.۲۹
۵	توسعه نیافتگی	۷.۱۰
۶	فرسودگی مسکن	۷.۰۶
۷	کمبود مسکن	۶.۷۳
۸	جوانی جمعیت	۶.۵۵
۹	طلاق	۶.۵۲
۱۰	تغییر در ساختار خانواده	۶.۵۰
۱۱	تجردگرایی	۶.۴۵
۱۲	پایین بودن امید به زندگی	۶.۳۵
۱۳	اسکان غیررسمی	۶.۳۰
۱۴	مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار	۶.۱۸

۲. اولویت بندی مهمترین مسائل جمعیتی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه مردم
 جدول شماره ۲ گویای اولویت بندی مهم ترین مسائل جمعیتی ایران از دیدگاه مردم است. این فهرست بیانگر آن است که گرانی مسکن (از منظر جمعیت شناختی) با میانگین امتیاز ۷/۰۸ در رتبه‌ی اول و طلاق با برخورداری از میانگین امتیازات ۶/۸۰ در رتبه‌ی دوم از مهم ترین مسائل جمعیتی ایران قرار دارد. کمبود مسکن با میانگین ۶/۰۸ امتیاز در رتبه‌ی سوم، جوانی جمعیت با میانگین ۵/۹۸ امتیاز در رتبه‌ی چهارم، توسعه نیافتگی با میانگین ۵/۸۷ امتیاز در رتبه‌ی پنجم و فرسودگی مسکن با میانگین ۵/۵۶ امتیاز در رتبه‌ی ششم از این فهرست قرار گرفته‌اند. سپس مسائل تغییر در ساختار خانواده، بالا رفتن سن ازدواج، فراوانی مهاجرت از روستا به شهر، مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار، تجردگرایی، پایین بودن امید به زندگی، فراوانی مهاجرت به خارج از کشور و اسکان غیررسمی در رتبه‌های ششم تا چهاردهم قرار گرفته‌اند. در یک جمع بندی می - توان گفت مسائل مسکن، طلاق و مسائل مربوط به خانواده، جوانی جمعیت، توسعه نیافتگی و مسائل مربوط به مهاجرت مهم - ترین مسائل جمعیتی ایران را از نظر مردم تشکیل می دهند.

جدول شماره ۲: اولویت بندی مهمترین مسائل جمعیتی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه مردم ایران

ردیف	مسائل جمعیتی	میانگین امتیازات (۱۰-۰)
۱	گرانی مسکن	۷.۰۸
۲	طلاق	۶.۸۰
۳	کمبود مسکن	۶.۰۸
۴	جوانی جمعیت	۵.۹۸
۵	توسعه نیافتگی	۵.۸۷
۶	فرسودگی مسکن	۵.۵۶
۷	بالا رفتن سن ازدواج	۵.۴۱
۸	تغییر در ساختار خانواده	۵.۳۸
۹	فراوانی مهاجرت از روستا به شهر	۵.۰۴
۱۰	مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار	۴.۹۵
۱۱	تجردگرایی	۴.۶۳
۱۲	پایین بودن امید به زندگی	۴.۶۳
۱۳	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور	۳.۹۹
۱۴	اسکان غیررسمی	۳.۹۷

۳. مقایسه و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم، پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آنها)

جدول شماره ۳ بیان‌گر اولویت‌های مسائل جمعیتی ایران از نظر شیوع و اهمیت آنها از دیدگاه خبرگان و مردم و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم است. یافته‌های این جدول بیان‌گر آن است که گرانی مسکن (از منظر جمعیت شناختی) با برخوردارگی از میانگین امتیاز ۷/۵۵ از خبرگان و ۷/۰۸ از مردم و امتیاز نهایی ۷/۳۱ در رتبه‌ی اول، طلاق با برخوردارگی از میانگین امتیاز ۶/۵۲ از خبرگان و ۶/۸۰ از مردم و امتیاز نهایی ۶/۶۶ در رتبه‌ی دوم، توسعه نیافتگی با کسب میانگین امتیاز ۷/۱۰ از خبرگان و ۵/۸۷ از مردم و امتیاز نهایی ۶/۴۸ در رتبه‌ی سوم قرار گرفته‌اند. در مراتب بعدی مسائل کمبود مسکن با امتیاز نهایی ۶/۴۰، بالا رفتن سن ازدواج با امتیاز نهایی ۶/۳۵، فرسودگی مسکن با امتیاز نهایی ۶/۳۱، جوانی جمعیت با امتیاز نهایی ۶/۲۶، فراوانی مهاجرت از روستا به شهر با امتیاز نهایی ۶/۱۸، تغییر در ساختار خانواده با امتیاز نهایی ۵/۹۴، فراوانی مهاجرت به خارج از کشور با امتیاز نهایی ۵/۶۹، مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار با امتیاز نهایی ۵/۵۶ - تجردگرایی با امتیاز نهایی ۵/۵۴، پایین بودن امید به زندگی با امتیاز نهایی ۵/۴۹ و اسکان غیررسمی با امتیاز نهایی ۵/۱۳ قرار گرفته‌اند. این جدول گویای اهمیت و شیوع مسائل مربوط به مسکن، خانواده و مهاجرت است. تعدد مسائل مربوط به خانواده شامل طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، تغییر در ساختار خانواده، مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار و تجردگرایی و همچنین قرار گرفتن آنها در رأس مسائل مهم و شایع ایران از نکات قابل توجه در بررسی مسائل جمعیتی ایران است. به طوری که به نظر می‌رسد مسائل مربوط به خانواده و ازدواج، مهم‌ترین مسائل جمعیتی ایران را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۳: مقایسه نظرات خبرگان و مردم، پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی ایران

رتبه‌ی نهایی	امتیاز نهایی (۰ تا ۱۰)	میانگین امتیازات مردم	میانگین امتیازات خبرگان	مهمترین مسائل جمعیتی ایران
۱	۷.۳۱	۷.۰۸	۷.۵۵	گرانی مسکن
۲	۶.۶۶	۶.۸۰	۶.۵۲	طلاق
۳	۶.۴۸	۵.۸۷	۷.۱۰	توسعه نیافتگی
۴	۶.۴۰	۶.۰۸	۶.۷۳	کمبود مسکن
۵	۶.۳۵	۵.۴۱	۷.۲۹	بالا رفتن سن ازدواج
۶	۶.۳۱	۵.۵۶	۷.۰۶	فرسودگی مسکن
۷	۶.۲۶	۵.۹۸	۶.۵۵	جوانی جمعیت
۸	۶.۱۸	۵.۰۴	۷.۳۳	فراوانی مهاجرت از روستا به شهر
۹	۵.۹۴	۵.۳۸	۶.۵۰	تغییر در ساختار خانواده
۱۰	۵.۶۹	۳.۹۹	۷.۳۹	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور
۱۱	۵.۵۶	۴.۵۹	۶.۱۸	مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار
۱۲	۵.۵۴	۴.۶۳	۶.۴۵	تجردگرایی
۱۳	۵.۴۹	۴.۶۳	۶.۳۵	پایین بودن امید به زندگی
۱۴	۵.۱۳	۳.۹۷	۶.۳۰	اسکان غیررسمی

۴. مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه خبرگان

بنابر یافته‌های جدول شماره ۴، مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان به لحاظ شیوع و اهمیت آن‌ها از دیدگاه خبرگان عبارتند از: ۱- فراوانی مهاجرت به خارج از کشور با برخورداری از میانگین امتیازات ۵/۸۷، ۲- مهاجرت نیروی کار با برخورداری از میانگین امتیازات ۵/۸۰، ۳- جوانی جمعیت با برخورداری از میانگین امتیازات ۵/۳۰، ۴- فراوانی مهاجرت از روستا به شهر با برخورداری از میانگین امتیازات ۵/۱۲، ۵- بالا بودن نرخ رشد جمعیت با برخورداری از میانگین امتیازات ۵/۰۸ و پس از آن، مسأله‌ی بالا بودن بعد خانوار با میانگین ۴/۹۳، کمبود مسکن با میانگین ۴/۸۳، شیوع پدیده‌ی بیوگی (بیوه شدن) با میانگین امتیاز ۴/۴۸، پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت با میانگین امتیازات ۴/۴۴، فرسودگی مسکن با میانگین امتیازات ۴/۳۶، افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیر فعال اقتصادی با میانگین امتیازات ۴/۳۵، تهدیدات مختلف منطقه‌ای با میانگین امتیازات ۴/۰۵ قرار دارند.

رأس جدول مسائل جمعیتی تاجیکستان گویای شیوع و اهمیت ویژه مسائل مهاجرتی است، مسأله‌ی مانند فراوانی مهاجرت به خارج از کشور، مهاجرت نیروی کار و فراوانی مهاجرت از روستا به شهر و پس از آن مسائل مربوط به رشد نامتناسب جمعیت شامل جوانی جمعیت، بالا بودن نرخ رشد جمعیت، بالا بودن بعد خانوار، پراکندگی ناموزون جمعیت و افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیر فعال اقتصادی قرار دارند. به لحاظ وزنی سومین دسته از مسائل جمعیتی شایع و دارای اهمیت

تاجیکستان را مسائل مربوط به طلاق و نابسامانی‌های مربوط به ساختار خانواده تشکیل می‌دهند. به طوری که مسأله شیوع بیوگی (بیوه شدن) در رتبه‌ی هشتم، تغییر در خانواده در رتبه‌ی سیزدهم و طلاق در رتبه‌ی چهاردهم از مسائل دموگرافی تاجیکستان قرار دارند. این دسته از مسائل پیامدهای مسأله آفرین دیگری را نیز به همراه دارند و مسائل دیگری را نیز تولید می‌کنند؛ از جمله‌ی این مسائل می‌توان به مسأله‌ی فراوانی کودکان بی‌سرپرست که در رتبه‌ی پانزدهم قرار دارد و فراوانی زنان بی‌سرپرست که در رتبه‌ی شانزدهم قرار گرفته است اشاره کرد. دسته‌ی چهارم از مسائل جمعیتی شایع در تاجیکستان را مسائل مربوط به مسکن تشکیل می‌دهند، به طوری که کمبود مسکن در رتبه‌ی هفتم و فرسودگی مسکن در رتبه‌ی دهم از فهرست مسائل اولویت دار جمعیتی تاجیکستان قرار گرفته‌اند. تهدیدهای مختلف منطقه‌ای نیز از مسائل نسبتاً با اهمیت جمعیتی در نظر کارشناسان تاجیکی است. تهدیداتی که هر از گاهی از جانب کشورهای همسایه بروز کرده و موجب ناامنی در سرحدات این کشور می‌شود. از جمله‌ی این تهدیدات می‌توان به تهدیدات اخیر صورت گرفته از جانب افغانستان اشاره کرد که این سرحدات علاوه بر ناامنی ناشی از تجاوزات سرحدی و ورود بنیادگرایان به مرزهای تاجیکستان، اخیراً با خطر ورود گسترده‌ی مواد مخدر به تاجیکستان و ترانزیت آن‌ها به کشورهای همسایه‌ی تاجیکستان روبرو شده است. البته مسائل سرحدی مربوط به هر یک از همسایگان تاجیکستان دارای ویژگی‌ها و پیچیدگی‌هایی است که بحث در ارتباط با تمامی این مسائل نیازمند ارائه مقالات متعددی است، از جمله مسائلی که مربوط به تقسیمات کشوری اتحاد جماهیر شوروی بوده و اختلافات سرحدی ذاتی را در بین تاجیکستان و ازبکستان بوجود آورده است که همواره امکان تبدیل شدن این اختلافات سرحدی به منازعات و ناامنی‌های منطقه وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۴: مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها)

از دیدگاه خبرگان

ردیف	مسائل جمعیتی	میانگین امتیازات (۱۰-۰)
۱	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور	۵.۸۷
۲	مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور	۵.۸۰
۳	جوانی جمعیت	۵.۳۰
۴	فراوانی مهاجرت از روستا به شهر	۵.۱۲
۵	بالا بودن نرخ رشد جمعیت	۵.۰۸
۶	بالا بودن بعد خانوار	۴.۹۳
۷	کمبود مسکن	۴.۸۳
۸	شیوع پدیده بیوگی (بیوه شدگی)	۴.۴۸
۹	پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت	۴.۴۴
۱۰	فرسودگی مسکن	۴.۳۶
۱۱	افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی	۴.۳۵
۱۲	تهدیدهای مختلف منطقه‌ای	۴.۰۵

۵. مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه مردم

جدول شماره ۵ بیان‌گر آن است که مهم‌ترین و شایع‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان از دیدگاه مردم این کشور عبارتند از: ۱- فراوانی مهاجرت از روستا به شهرها با برخورداری از میانگین امتیازات ۶/۱۷، ۲- مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور با میانگین امتیازات ۶/۱۰، ۳- فراوانی مهاجرت به خارج از کشور با میانگین امتیازات ۵/۹۲، ۴- جوانی جمعیت با میانگین امتیازات ۵/۹۰، ۵- کمبود مسکن با میانگین امتیازات ۵/۷۸. و پس از این مسائل نیز بالا بودن نرخ رشد جمعیت، بالا بودن تعداد افراد خانواده، فرسودگی مسکن، رواج بیوه‌شدگی، افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی، پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت و تهدیدهای مختلف منطقه‌ای (کشورهای همسایه) قرار دارند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که: مسائل مهاجرتی مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان از نظر مردم هستند. به طوری که فراوانی مهاجرت از روستا به شهرها، مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور و فراوانی مهاجرت به خارج از کشور در نظر مردم مهم‌ترین و شایع‌ترین مسائل تاجیکستان است. جوانی جمعیت (که البته مسئله شدن این موضوع ارتباط نزدیکی با مسائل اشتغال، درآمد و سایر امکانات لازم برای جوانان دارد) نیز دسته‌ی دوم مسائل جمعیتی را به خود اختصاص داده است. کمبود و فرسودگی مسکن نیز دسته‌ی سوم از مهم‌ترین مسائل تاجیکستان از نظر مردم هستند.

جدول شماره ۵: مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه مردم

ردیف	مسائل جمعیتی	میانگین امتیازات (۰-۱۰)
۱	فراوانی مهاجرت از ده‌ها به شهرها	۶.۱۷
۲	مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور	۶.۱۰
۳	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور	۵.۹۲
۴	جوانی جمعیت	۵.۹۰
۵	کمبود مسکن	۵.۷۸
۶	بالا بودن نرخ رشد جمعیت	۵.۷۲
۷	بالا بودن تعداد افراد خانواده	۵.۵۸
۸	فرسودگی مسکن	۵.۲۲
۹	رواج بیوه‌شدگی	۵.۱۵
۱۰	افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی	۴.۸۷
۱۱	پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت	۴.۴۵
۱۲	تهدیدهای مختلف منطقه‌ای، کشورهای همسایه	۴.۰۴

۶. مقایسه و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم، پیرامون مهم‌ترین مسائل جمعیتی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آنها)

جدول شماره ۶ بیانگر اولویت‌های مسائل جمعیتی تاجیکستان با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها، از دیدگاه خبرگان و مردم و جمع‌بندی نظرات آن‌ها است. یافته‌های این جدول بیان‌گر آن است که مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور با برخورداری از میانگین امتیاز ۵/۸۰ از خبرگان و امتیاز ۶/۱۰ از مردم و امتیاز نهایی ۵/۹۵ در رتبه‌ی اول؛ فراوانی مهاجرت به خارج از کشور با میانگین امتیاز ۵/۸۷ از خبرگان و امتیاز ۵/۹۲ از مردم و امتیاز نهایی ۵/۸۹ در رتبه‌ی دوم و فراوانی مهاجرت از روستا به شهر با میانگین امتیاز ۵/۱۲ از خبرگان و امتیاز ۶/۱۷ از مردم و امتیاز نهایی ۵/۶۴ در رتبه‌ی سوم قرار گرفته‌اند. در مراتب بعدی، بالا بودن نرخ رشد جمعیت با امتیاز نهایی ۵/۴۰، کمبود مسکن با امتیاز نهایی ۵/۳۰، بالا بودن بعد خانوار با امتیاز نهایی ۵/۲۵، جوانی جمعیت با امتیاز نهایی ۵/۰۶ و شیوع بیوگی با امتیاز نهایی ۴/۸۱ قرار دارند. فرسودگی مسکن، افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی، پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت و تهدیدهای مختلف منطقه‌ای (کشورهای همسایه) نیز در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

مهمترین مسائل جمعیتی در تاجیکستان را مسائل مهاجرتی به خود اختصاص داده‌اند، البته لازم به یادآوری است که بر اساس آمارهای موجود در تاجیکستان، مهاجرت از روستا به شهر در این کشور تقریباً برابر صفر است اما جابه‌جایی‌ها و سفرهایی که از روستا به شهر صورت می‌گیرد و یا ذهنیت شهرنشینان مبنی بر اینکه افزایش جمعیت شهری ناشی از مهاجرت روستائیان به شهر است، این موضوع را به مسئله تبدیل کرده است. بنابراین هر چند از نظر آماری مسئله‌ای به نام فراوانی مهاجرت از روستا به شهر در تاجیکستان وجود ندارد، اما در ذهن خبرگان و مردم، این موضوع یکی از مسائل مهم تاجیکستان است. در مقایسه‌ی میانگین امتیازات ارائه شده توسط خبرگان و مردم به هر یک از مسائل تاجیکستان متوجه می‌شویم که مردم به هر یک از مسائل جمعیتی این کشور میانگین امتیازات بالاتری را نسبت به خبرگان داده‌اند و این امر نشان‌گر آن است که مسائل جمعیتی در نظر مردم از اهمیت بیشتری نسبت به خبرگان برخوردار است. خبرگان فقط به مسئله‌ی تهدیدهای مختلف منطقه‌ای امتیازی بالاتر نسبت به مردم داده‌اند که این موضوع به علت تخصصی و علمی بودن مسئله‌ی تهدیدهای منطقه‌ای (کشورهای همسایه) و درک بیشتر آن توسط خبرگان نسبت به مردم است.

جدول شماره ۶: مقایسه نظرات خبرگان و مردم، پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی تاجیکستان

مهمترین مسائل جمعیتی تاجیکستان	میانگین	میانگین	امتیاز نهایی	رتبه‌ی
--------------------------------	---------	---------	--------------	--------

امتیازات خبرگان	امتیازات مردم	(۰ تا ۱۰)	نهایی
مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور	۵.۸۰	۶.۱۰	۵.۹۵
فراوانی مهاجرت به خارج از کشور	۵.۸۷	۵.۹۲	۵.۸۹
فراوانی مهاجرت از روستا به شهر	۵.۱۲	۶.۱۷	۵.۶۴
بالا بودن نرخ رشد جمعیت	۵.۰۸	۵.۷۲	۵.۴۰
کمبود مسکن	۴.۸۳	۵.۷۸	۵.۳۰
بالا بودن بعد خانوار	۴.۹۳	۵.۵۸	۵.۲۵
جوانی جمعیت	۵.۳۰	۵.۹۰	۵.۰۶
شیوع پدیده بیوهی	۴.۴۸	۵.۱۵	۴.۸۱
فرسودگی مسکن	۴.۳۶	۵.۲۲	۴.۷۹
افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی	۴.۳۵	۴.۸۷	۴.۶۱
پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت	۴.۴۴	۴.۴۵	۴.۴۴
تهدیدهای مختلف منطقه‌ای	۴.۰۵	۴.۰۴	۴.۰۴

۷. بررسی مقایسه‌ای مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان

در این قسمت به بررسی مقایسه‌ای جمع نظرات خبرگان و مردم ایران و تاجیکستان در ارتباط با مهمترین مسائل جمعیتی دو کشور (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) پرداخته خواهد شد.

جدول شماره ۷ بیانگر مقایسه‌ی جمع نظرات خبرگان و مردم دو کشور ایران و تاجیکستان پیرامون مسائل جمعیتی دو کشور است. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که مهمترین مسائل جمعیتی ایران به ترتیب عبارتند از: ۱- گرانی مسکن (از منظر جمعیت‌شناختی) با امتیاز نهایی ۷/۳۱، ۲- طلاق با امتیاز نهایی ۶/۶۶، ۳- توسعه نیافتگی با امتیاز نهایی ۶/۴۸، ۴- کمبود مسکن با امتیاز نهایی ۶/۴۰، ۵- بالا رفتن سن ازدواج با امتیاز نهایی ۶/۳۵ و پس از آن مسائل فرسودگی مسکن، جوانی جمعیت، فراوانی مهاجرت از روستا به شهر، تغییر در ساختار خانواده، فراوانی مهاجرت به خارج از کشور و تجردگرایی (گرایش به زندگی مجردی) قرار گرفته‌اند.

در تاجیکستان این وضعیت به شکلی است که مهمترین مسائل جمعیتی این کشور به ترتیب عبارتند از: ۱- مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور با امتیاز نهایی ۵/۹۵، ۲- فراوانی مهاجرت به خارج از کشور با امتیاز نهایی ۵/۸۹، ۳- فراوانی مهاجرت از روستا به شهر با امتیاز نهایی ۵/۶۴، ۴- بالا بودن نرخ رشد جمعیت با امتیاز نهایی ۵/۴۰، ۵- کمبود مسکن با امتیاز نهایی ۵/۳۰ و پس از آن مسائل بالا بودن بعد خانوار، جوانی جمعیت، شیوع پدیده‌ی بیوهی، فرسودگی مسکن، افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی، پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت و تهدیدهای مختلف منطقه‌ای (کشورهای همسایه) قرار دارند.

در گذشته‌ای نه چندان دور ایران با رشد جمعیت بالایی مواجه و در پی آن، دچار پی آمدهای جمعیتی مشابه با وضعیت کنونی تاجیکستان بوده است. طی سال‌های گذشته در کشور ایران، برنامه‌های گوناگون تنظیم خانواده در دستور کار دولت -

های مختلف قرار گرفته و در نتیجه در حال حاضر رشد بالای جمعیت تا حد زیادی کاهش یافته و این رشد تحت کنترل در آمده است. انتقال این تجربیات از ایران به تاجیکستان می‌تواند در راستای کاهش نرخ رشد جمعیت در تاجیکستان موثر و مفید باشد.

در ارتباط با مسئله‌ی مهاجرت در تاجیکستان لازم به گفتن است که فراوانی مهاجرت به خارج از کشور و مهاجرت نیروی کار به خارج به عنوان مهمترین مسائل جمعیتی تاجیکستان ناشی از نبود شرایط مناسب برای کار، پایین بودن سطح درآمد و دستمزدها، شیوع بیکاری و برخی رخ دادهای سیاسی و اختلاف‌ها و درگیری‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر است. بر اساس آمارهای موجود، بخش قابل توجهی از مهاجران کاری تاجیکستان به کشورهای خارجی را مهاجران به کشور روسیه تشکیل می‌دهند. روند مهاجرت به روسیه هرچند برای عده‌ای و برای مدتی سودآور بوده و موجب ساماندهی موقت شرایط اقتصادی خانواده‌ی این مهاجران بوده است، اما این شرایط برای همه‌ی مهاجران و برای همیشه سودآور نبوده و مسائل فراوانی را به وجود آورده است. بخشی از این مسائل مربوط به پی‌آمدهای اقتصادی خروج نیروهای کار از تاجیکستان است. خروج نیروهای کاری متخصص در بخش‌های مختلف اقتصادی از کشور به قصد کاریابی موجب کمبود نیروی کار ماهر و تاخیر در پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی تاجیکستان شده است. در جایی که این مهاجران از نیروهای فکری و علمی تاجیکستان باشند صدمات اقتصادی، اجتماعی بیش از پیش نمایان خواهد شد. پیامد بعدی مربوط به مسئله‌ی نبود امنیت جانی برای مهاجران کاری تاجیک (به ویژه در روسیه) است (که البته این مسئله سومین مسئله‌ی اجتماعی بااهمیت از نظر خبرگان و مردم تاجیکستان به شمار می‌آید) افزایش مهاجرت مهاجران تاجیکی و غیرتاجیکی به روسیه موجب بالا رفتن تعداد متقاضیان کار در روسیه شده و مهاجران جویای کار در آن کشور ناچار به ورود به بازار سیاه کار و ارتباط با قاچاقچیان کاریابی می‌شوند و در بسیاری از این موارد به منظور کاریابی مجبور به پرداخت رشوه می‌شوند. در این صورت مهاجران گاه برای کاریابی و زندگی غیرقانونی در روسیه مجبور می‌شوند به حدی رشوه و باج پرداخت کنند که دریافت مزد آن‌ها برای گذراندن هزینه‌های روزانه نیز به سختی کفایت می‌کند. در این شرایط خطرات زیادی از جمله عضویت مهاجران در باندهای تبهکاری، ورود مهاجران به درگیری‌ها و فعالیت‌های مجرمانه، دستگیری، زندان، انتقام‌جویی‌های مرگبار، اخراج از روسیه و حتی خودکشی در کمین مهاجران غیر قانونی خواهد بود. در کنار مسائل مهاجرتی یاد شده برای مهاجران کاری، متلاشی شدن و آسیب دیدن خانواده‌های آن‌ها در تاجیکستان، رهاشدگی خانواده‌ها، بی‌درآمدی و بی‌سرپرستی همسران و فرزندان آن‌ها نیز به مسئله تبدیل خواهند شد. برخی از این خانواده‌ها در شرایط نابسامان اقتصادی مجبور به گرایش به دست‌فروشی و مشاغل غیرتولیدی پیدا کرده و گاهی نیز مجبور به گدایی می‌شوند و البته برخی زنانی که شوهران آن‌ها برای مدتی طولانی در مهاجرت به سر می‌برند و خود و فرزندانشان را در حالتی رها شده می‌بینند، میل به طلاق کرده و بر رواج پدیده‌ی بیوه‌گی تاثیر می‌گذارند.

جدول شماره‌ی ۷: مقایسه جمع نظرات خبرگان و مردم پیرامون مهمترین مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان

(با توجه به شیوع و اهمیت آنها)

مهمترین مسائل جمعیتی ایران	امتیازنهایی	مهمترین مسائل جمعیتی تاجیکستان	امتیازنهایی	رتبه‌ی
----------------------------	-------------	--------------------------------	-------------	--------

نهایی	(۰ تا ۱۰)		(۰ تا ۱۰)	
۱	۵.۹۵	مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور	۷.۳۱	گرانی مسکن (جمعیتی)
۲	۵.۸۹	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور	۶.۶۶	طلاق
۳	۵.۶۴	فراوانی مهاجرت از روستا به شهر	۶.۴۸	توسعه نیافتگی
۴	۵.۴۰	بالا بودن نرخ رشد جمعیت	۶.۴۰	کمبود مسکن
۵	۵.۳۰	کمبود مسکن	۶.۳۵	بالا رفتن سن ازدواج
۶	۵.۲۵	بالا بودن بعد خانوار	۶.۳۱	فرسودگی مسکن
۷	۵.۰۶	جوانی جمعیت	۶.۲۶	جوانی جمعیت
۸	۴.۸۱	شیوع پدیده بیوگی	۶.۱۸	فراوانی مهاجرت از روستا به شهر
۹	۴.۷۹	فرسودگی مسکن	۵.۹۴	تغییر در ساختار خانواده
۱۰	۴.۶۱	افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی	۵.۶۹	فراوانی مهاجرت به خارج از کشور
۱۱	۴.۴۴	پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت	۵.۵۶	مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار
۱۲	۴.۰۴	تهدیدهای مختلف منطقه‌ای	۵.۵۴	تجردگرایی

بحث

با توجه به یافته‌های بدست آمده مهمترین مسائل جمعیتی ایران را چنین می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱- مسائل مسکن (کمبود، گرانی و حاشیه‌نشینی). ۲- مسائل مربوط به خانواده و ازدواج ۳- مسائل مربوط به مهاجرت ۴- توسعه نیافتگی؛

مهمترین مسائل جمعیتی تاجیکستان را نیز می‌توان این‌گونه دسته‌بندی نمود: ۱- مسائل مربوط به مهاجرت ۲- مسائل مربوط به ساختار جمعیت (بالا بودن نرخ رشد جمعیت، بالا بودن بعد خانوار یا عائله‌مندی، جوانی جمعیت، افزایش جمعیت گروه‌های سنی غیرفعال اقتصادی، پراکندگی ناموزون جغرافیایی جمعیت) ۳- کمبود مسکن ۴- تهدیدهای مختلف منطقه‌ای (کشورهای همسایه).

در مقایسه‌ی مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان متوجه اشتراک دو کشور در مسائل مسکن و مهاجرت هستیم، اما در سایر مسائل جمعیتی اشتراک محدودی بین دو کشور وجود دارد. به گونه‌ای که ایران با مسائل خانواده و ازدواج به شکلی گسترده روبه‌رو است. در ایران سن ازدواج بالا رفته، میل به زندگی مجردی در بین جوانان افزایش یافته و جوانان به شکل‌های جدیدی از خانواده که شامل زندگی‌های مشترک بین زن و مرد با تعهدات محدود و بدون فرزند است روی آورده‌اند. در حالی که تاجیکستان با مسئله‌ی رشد ناموزون جمعیت و بالا بودن نرخ رشد جمعیت مواجه است. به علاوه تهدیدات منطقه‌ای که از جانب کشورهای همسایه‌ی تاجیکستان وجود دارد، از مسائل مهم و ویژه‌ی کشور تاجیکستان است.

در ارتباط با امتیازات داده شده به هر یک از مسائل مهم جمعیتی تاجیکستان لازم به یادآوری است که در مجموع، خبرگان به هر یک از مسائل مهم جمعیتی امتیاز کمتری نسبت به مردم داده‌اند. به این معنا که مسائل جمعیتی در نظر مردم مهم‌تر و

شایع تر بوده است. این وضعیت در ایران به شکل دیگر است به طوری که خبرگان به تمامی مسائل مهم جمعیتی ایران (به غیر از طلاق)، امتیاز بالاتری نسبت به امتیاز مردم داده اند. به این معنا که مسائل جمعیتی در نظر خبرگان مهم تر و شایع تر بوده است.

در مقایسه ی امتیازات نهایی داده شده به مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان خواهیم دید که: جمع امتیازات داده شده به ۱۲ مسئله ی مهم جمعیتی ایران برابر با ۷۴/۶۸ و میانگین امتیازات نهایی ۶/۲۲ بوده که این رقم در ارتباط با ۱۲ مسئله ی مهم جمعیتی تاجیکستان برابر با ۶۰/۸۲ و میانگین امتیازات نهایی ۵/۰۶ بوده است. این امر نشان دهنده ی آن است که احساس وجود مسئله و احساس شیوع و اهمیت مسائل جمعیتی در ایران بالاتر از تاجیکستان است. در واقع وزن مسائل جمعیتی در ایران (از نظر پاسخگویان ایرانی) نسبت به وزن مسائل جمعیتی در تاجیکستان (از نظر پاسخگویان تاجیکی) بیشتر است.

منابع

آقابخشی، حبیب الله. (۱۳۸۸). **اعتیاد و آسیب شناسی خانواده** (رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب های جامعه ای). تهران: انتشارات دانش آفرین.

ازل رابینگن، مارتین واینبرگ. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. (رحمت الله صدیق سروستانی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران، دانشگاه تهران.

خراطها، سعید. (۱۳۸۸). اولویت شناسی مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر تهران و راهکارهای برون رفت از آن‌ها. اداره کل طرح و بودجه شهرداری تهران.
خراطها، سعید. پایان نامه دوره دکتری. بررسی مقایسه ای مسایل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی ایران و تاجیکستان و راهکارهای حل آن. انستیتو دموگرافی آکادمی علوم تاجیکستان. استاد راهنما: پروفسور اسلاموف عبادویچ.
رییس دانا، فریبرز. (۱۳۸۷). تحول فقر در ایران. مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران. (چاپ دوم). تهران: انتشارات آگاه.

زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰). تحول جمعیتی و پیامدهای مسئله آفرین آن. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵ سال ۱۳۸۰.

عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها. مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران. (چاپ دوم). تهران: انتشارات آگاه.

لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۳). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. (سعید معیدفر، مترجم). تهران: انتشارات امیر کبیر.

معمدی، سیدهادی. (۱۳۸۶). اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۶ شماره ۲۴.

مهم ترین مشکلات اجتماعی ایران مطرح شد. ۱۳۸۸/۱۰/۱ قابل دسترسی در: www.hamshahrionline.ir

Comparative study of effective population issues for social life of Iran and Tajikistan

Kharatha saeed(Ph.D)

Abstract

The issue of population situations of society is considerable from the view of sociology which if this ignore, unfavorable conditions could be generated for social life of people as well as social life of society could be jeopardized. The goal of present paper is to recognize and compare effective population issues of social life of Iran and Tajikistan. Exploratory and field studies are used, considering to existing cultural similarities between two countries, researcher for recognizing try to use valid indexes (۳^ cases) from population issues of Iran and Tajikistan as well as resources, documents and primary interview .First of all, some papers were given to fifty Iranian experts of human science and forty eight Tajik experts in order to recognize the important population issues of their countries. Then, the questionnaires which were mentioned in the most twelve important issues of two countries were given to four hundred Iranian and Tajik people in order to recognize their important population issues which eclipse social structures of each society till it can be presented required administrative procedures proportionate with existing social conditions. The results indicate some of the most important population issues of Iran including affordable housing, divorce, underdevelopment, shortage and aging housing, rising age of marriage also some of important population issues of Tajikistan are: labor migration to abroad, plenty of migration to abroad, plenty of migration from rural to urban areas, high population growth rate, housing shortage. The results imply that existing population issues and ignoring those can be effective on social sustainability and life as well as process of social growth and development.

Key words: social issues, population issues, Iranian population issues, Tajik population issues